

بنیاد مطالعات ایران برنامه تاریخ شفاهی

محمد باهری، جلد ۲

برنامه تاریخ شفاهی

مصاحبه شونده: آقای دکتر محمد معتضد باهری

مصاحبه کننده: خانم شیرین سمیعی

کان، دسامبر ۱۹۸۳

و مارس ۱۹۸۴

جلد دوم

فهرست مندرجات محمد باهری

جلد دوم

- ۶-۱ اشغال ایران در طول جنگ جهانی دوم، خاطراتی از حزب توده و سازمان آن حزب در شیراز
- ۲۲-۶ خلاصه نوارهای پیاده نشده
- ۲۳-۲۲ ریشه‌ها و اهداف حزب رستاخیز
- ۲۶-۲۴ سازمان عفو بین الملل و واکنش دولت ایران به خواسته‌های آن سازمان، روابط بین شاه و ریچارد هلمز
- ۳۴-۲۸ روابط بین دولت و علماء، مسئله قطع کمک‌های مالی نخست‌وزیری به علماء در دوره صدارت آموزگار، درباره مقاله علیه خمینی در اطلاعات
- ۴۰-۳۵ کناره‌گیری علم از سیاسته مقابله مصاحبه شونده با مظفر فیروز بر سر مقاله فیروز در روزنامه لوموند

سؤال : راجع به حزب کبود میفرمودید.

آقای دکتر باهاری : حزب کبود در واقع يك صدای اعتراضی بود بر علیه کسانی که رضا شاه را از ایران بیرون کردند. صدای اعتراضی بود از ملیون ایران بر علیه اشغال ایران . حزب کبود را نوپخت درست کرد. کسانی را که با او پیوستند من الان بخاطر دارم. خسرو اقبال بود و جهانگیر تغضالی، البته پسر نوپخت هم بود نمیدانم دیگر چه کسانی بودند. و واقعا" حالا خواستم اسم پوروالی را هم بیاورم و مخصوصا" علاقه دارم که اسمش را بیاورم. هر چند درباره من بد نوشته بود اما من میخواستم یاد خوبی از او بکنم. خاطرم نیست که واقعا" بود یا نبود. انشاءالله بوده باشد. شاید همان روزنامه ایران ما انتشارات اولیه اش در واقع در شکل مانیفستی بود از طرف حزب کبود و کسی که در این کار مخصوصا" مؤثر بود و معیوب بود و مؤسس بود نوپخت بود. و عجب اینست که روزهای آخر زندگی در يك اطلاق تاریکی گذشت. معذک علاقه اش را به رضا شاه و احترامش را به رضا شاه داشت. روزهای آخر که ۷ یا ۸ سال پیش بود دیدمش، هیچ، با همان شوقی که در مجلس از رضا شاه دفاع میکرد و با همان شوقی که در فضای حزب رستاخیز از رضا شاه صحبت میکرد، با همان ناسیونالیسم آن موقع هم دیدم صحبت میکنند. میخواستم این مطلب را بگویم چون اگر گفتم مردم بعزت اشتباهی که رضا شاه کرده بود که هوای دلشان را نداشت وقتیکه رفت خوشوقت شدند ولی در هر حال يك کانون ناسیونالیستی هم در ایران بود. ما اینجا دو مطلب را باید شرح بدهیم یکی اینکه يك عده را انگلیسی ها گرفتند بعنوان اینکه اینها طرفدار آلمانیها هستند و البانوفیل هستند. تمام اشخاص را الان نمیتوانم اسم ببرم اما از جمله اشخاصی که گرفتند دکتر متین دفتری بود گفتند آلمانوفیل و ژرمنوفیل است.

سؤال : تیمسار زاهدی هم بود.

آقای دکتر باهاری : بله تیمسار فضل الله زاهدی هم بود پدر اردشیر زاهدی، هیئت بود، مهندس رجیبی بود، اشخاصی که بطور یتیم میدانم همین ها بودند و آلا کسان دیگری هم بودند. عده زیاد بودند ولی اشخاصی که بخاطر ما ماند و محقق بود اینها بودند. اینها را انگلیسیها گرفتند. چند نفر آلمانی هم در ایران بودند مثل اینکه اینها عوامل جاسوسی آلمانیها بودند. قشقائی ها هم این چند آلمانی را برداشتند و بردند در ایل و از اینها نگهداری کردند. حالا البته اینهاست که البانوفیل شناخته شده بودند پلیس انگلستان که در تهران کار میکرد که نمیدانم اسمش چه بود و بهر حال پلیس بود بهر صورت. گرفتند و بردند و فکر کردند که اینها برای آلمانیها کار میکنند با توفیق و بازداشت آنها خطری که از ناحیه اینها فرض میکردند رفع شده. در هر حال اینها خطری نداشتند نمیدانم دلالتش چه بود اینهم يك نکته هست که بایستی روشن بشود که جریان چه بود. راجع به بعضی از اینها هم که از عوامل خیلی مخلص یعنی طرفدار مخلص و عوامل نمیکویم و جاسارت نمیکند و تا کسی را ندانم از هوا خواهان و طرفداران و معتقدین به سیاست انگلستان بودند و یا شدند نمیتوانم بگویم. بهر صورت این که يك عده را نام بردم، بعنوان طرفداری از آلمانیها گرفتند ولی آلمانیها که گفتند جاسوس دستگاه هستند آنها را قشقائی ها برداشتند و بردند در ایلات و يك پرپلم (Problem) برای دولت شد و قشقائی ها رفتند و باز آن بساط سرکشی و طغیانشان را و مقابله خودشانرا با دولت مخصوصا" در پناه دادن آلمانیها روشن و ظاهر کردند مجددا" و دولت هرچه اصرار داشت که اینها را ول کنید ول نمیکردند و یاغی بودند و یکی از جهات یاغیکبری و طغیانشان

هم همین بود که جاموسهای آلمانی را در ایل خودشان نگهداشته بودند. دولت بطریق مختلف در صدد برآمد که مسئله را حل بکند. هم از طریق زور مطالعه کرد و اقدام کرد برای باز گرفتن اینها. یادم میآید که سپهبد شاه بختی را فرستادند فرمانده قشون کردند در شیراز. برجسته ترین فرماندهان آن زمان بود. کسی بود که با رضا شاه همکاری کرده بود. او را فرستادند که بلکه از طریق عملیات نظامی بتوانند آلمانها را بگیرند ولی او عملیات نظامی نکرد گو اینکه صداهای نظامی و فرمانهای نظامی از او شنیده میشد اعاده‌ی نظامی و دستورهای نظامی که متعاقب آن باید یک کارهای نظامی و عملیات نظامی باشد از او دیده شد ولی کار نظامی نکرد. از جمله تدابیری که دولت مرکزی بفکرش رسید این بود که مرحوم قوام را که سابقاً "برایتان تعریف کردم که از ملاکین بزرگ شیراز بود و بعداً آمد تهران، یعنی رضا شاه جمهوری را کرد که آمد تهران و در تهران مقیم بود بمناسبتی که هم فکر میکردند در شیراز صاحب نفوذ است و بهرحال در قطب مخالف قشقایی ها فکرس میکردند، قوام همیشه طبیعتش طبیعت نظم بود و طبیعت آرامش بود ولی طبیعت آنها طبیعت سرکشی و پانگیگیری و طانگیگیری بود. قوام الملك را فرستادند باستانداری شیراز و ظاهراً خود اعلیحضرت محمد رضا شاه هم اظهار علاقه کرده بود. قوام آمد شیراز و یک مدتی ماند بهرحال یک ارتیاماتی داشت و با تدابیری که داشت نتوانست بالاخره مسئله را حل بکند و آلمانی ها را از قشقایی ها بگیرد و تحویل بدهد. بعد از آنکه قشقایی ها آلمانی ها را تحویل دادند دیگر آمد و رفت آنها در شهر هم رواج پیدا کرد و مجدداً بعنوان یک قدرت تنفیذ و قدرت مسلط بر اوضاع و احوال شیراز حضور داشتند قوام هم کارش را که انجام داد در استانداری رفت. قبل از اینکه به فعالیت سیاسی خودم بپردازم لازم است که این انویرومنان (Environment) سیاسی و اجتماعی که در آن موقع بود بطور کلی برایتان شرح بدهم. بعد از اینکه رضا شاه رفت محمد رضا شاه مطابق قاعده و قانون رفت در مجلس شورای ملی و در مقابل مجلس قسم یادکرد. البته آنروز که محمد رضا شاه میرفت مردم با یک شوق و با یک عشق زیادی از او استقبال کردند و آن استقبال شایانی که مردم در مسیرش از او بعمل آوردند و آن شوقی که ارائه دادند و نشان دادند که البته یک مقدارش مربوط میشد باینکه مملکت ما اشغال شده بود و شاه بهر صورت یک باقیمانده از استقلال مملکت ما بود و بهرحال کسی بود که پرچم استقلال مملکت را، بهرحال مردم در دستش میدیدند و جوانی بود آراسته و درس خوانده و سوابق رفتارش هم سوابق مطلوبی بود این بود که مردم با شوق پذیرفتند و خیلی باعث خوشوقتی و دلگرمی همه بود همانطوریکه عرض کردم بموجب قانون هم املاکی که از طرف پدرش باو مصلحه شده بود آنها هم بیک صورتی بر طبق آراء محاکم قرار شد املاک غیر منقول بازگشت داده بشود و مسترد بشود و از محل همین دارائی هم که پدرش باو داده بود برای کارهای خیر پولهای می داد. مثلاً برای حفر چاه در جنوب تهران پول میداد، برای تامین آب پوشهر پول میداد. یعنی هر جا یک یا دو میلیون پول میداد و بخشش میکرد برای کارهای خیریه و بهر صورت آن برداشتهای اولیه اش هم مورد استقبال مردم بود و هم در جهت خیر و صلاح مردم. همانطور که دیروز عرض کردم قبول این خاطره، سلطنت در آن موقع مسئله مخاطره بود و دردمر بود بهرحال. یک مملکت آرامی نبود، عایدات نفع هم مثل حالا نبود، مملکتی بود سه قدرت خارجی آنرا گرفته: روسیه، انگلیس و آمریکا و صاحبان نفوذ هم که سابقاً در پند بودند اینها آزاد شدند و ارتش هم بهرحال بهم ریخته بود. نسلی هم که نسل محمد رضا شاه بود آن نسل نبود که حکومت میکرد، بلکه نسل گذشته بود که حکومت میکرد و هم نسل محمد رضا شاه نبود. بهرحال در این شرایط مسئولیت مملکت را بعنوان سلطنت قبول کردن، هر چند که مسئولیت عبارت از پرچمداری باشد کار واقعاً توأم با گذشته بود و بهرحال نتیجه اش این بود که استقلال و تمامیت ارضی مملکت ما حفظ شد و ماند و همچنان هم مانده و امیدواریم که همیشه هم

بماند و بهرحال اینرا نباید فراموش کرد که این خدمت بزرگی بود که کرد. حالا ممکن است بعضی ها که معترض اند بگویند که سلطنت را ممکن بود قبول نکنند. بهر صورت آخوندها البته از ذلت سابق نجات پیدا کردند اما بشما بگویم و اینرا هم بگویم که بهر صورت رونق قبل از رضا شاه را هم پیدا نکردند. یعنی نتوانستند که صاحب نفوذ در حدی که در گذشته بودند بشوند. اما يك مطلبی را که ناگزیرم تاکید بکنم اینست که بهرحال آخوندها مخالف سلطنت نبودند، آخوندها در آن موقع خودشانرا پشتیبان سلطنت فرض میکردند و شاه را هم پشتیبان خودشان و خدمتگزار مذهب میدانستند و تالی میگردند. هنوز در آن اوائل از فدائیان اسلام خبری نبود. فدائیان اسلام شاید دیرترین دسته سیاسی بود که وارد صحنه سیاسی شد، دیرترین دسته سیاسی. بعد بشما عرض خواهم کرد که چه دسته‌هایی ابتدا آمدند ولی دیرترین دسته‌هایی که وارد صحنه سیاست شدند همین اینتگریت (Integrist) ها بودند که بعنوان فدائیان اسلام و سرکرده اول آنها هم ثواب صغری بود و حرکت اولش هم کشتن کمروی بود. در همین موقع روزنامه بعنوان روزنامه مردم بعنوان ارگان گروه ضد فاشیست، منتشر میشد، هنوز اسم حزب توده را ما نشنیده بودیم. این مربوط است باواخر سال ۲۰ و اوائل سال ۲۱، شاید حزب توده درست شده بود ولی ما اسمش را نشنیده بودیم ولی يك روزنامه میدیدیم بنام روزنامه مردم و اگر اشتباه نکنم سر دبیرش هم صغری بود و شاید گروهی یا دسته سیاسی یا حزبی که بوجود آمده بود سلیمان میرزا اسکندری بوجود آورده بود. بهرحال چیزی که غیر از حزب کمپود ما آن موقع ها می دیدیم يك چنین گروهی با چنین روزنامه بود که بهرحال هدفش بیشتر مبارزه با فاشیسم بود و عنوان خودش را اینطور گذاشته بود که البته فاشیسم هم آن موقع برای ایرانیان معنی نداشت که فاشیسم یعنی چه. در آن موقع برداشت کلی خودم را درباره جامعه برایتان نقل میکنم و بعد کار خودم را میگویم. گروههای صاحب نفوذ که همان فئودالها بودند و آزاد شده بودند و آمده بودند موضعهای فئودالی خودشانرا گرفته بودند و مشغول کار خودشان بودند. مزاحمت صاحبان املاک و سلسله بر مراتع عمومی و خلاصه اعمال نفوذ در گردش کارهای اداری با زور تفنگ این یکطرف بود و یکطرف دیگر آخوندها بودند که بهر صورت مجدداً آن وضع رهبر عبادی مردم را برای خودشان تجدید کرده بودند و يك رونقی داده بودند و پایین ترتیب در جامعه نفوذ پیدا کرده بودند ولی در ماسوای اینها نیروئی که در زمان رضا شاه متولد شده بود و تربیت شده بود یعنی نیروی شهری و نیروی بورژوازی، البته اصطلاح پرلتاریا هم اصطلاح خیلی درستی است برای فراکمیون و جزئی از این نیرو. برای اینکه پرلتاریا به آن معنایی که تعریف میکنند که نیروی کار خودش را در بازار کار بفروش بگذارد، چنین چیزی یا نبود و یا خیلی کم بود و بهرحال اگر هم بود آن اسپری (Spirit) پرولتاریا در آن وجود نداشت. من حالا میگویم نیروی بورژوازی یا نزدیک بود ژوازی که متولد شده در زمان رضا شاه. این نیرو در زمان رضا شاه بوجود آمده و متولد شده و نسلی از آن ظاهر شده و نسل تربیت شده و مدرسه رفته و بعضی از آنها فارغ التحصیل شده‌اند و بعضی در مدارج عالی تحصیلاتی بودند و بعضی تحصیلات متوسطه را تمام کرده و بعضی هم تحصیلات متوسطه را میکرد. این نیرو مواجه میشود با يك وضع خاص اجتماعی که ممنوعیت و محدودیت در آن وجود ندارد. سابقاً قدرتهای اجتماعی یا تعطیل بودند و یا فعالیتشان تعهید و محدود بود بآن شرائطی که رژیم رضا شاهی تعیین کرده بود و حالا دیگر رژیم رضا شاهی رفته و آن محدودیت وجود ندارد ولی ضمناً اینرا بگویم که آن جهتی که رضا شاه پذیرفته بود، آن جهت یعنی مدرنیزه کردن مملکت وجود داشت منتهی آن ضلیمتی، ضلیمت نه، ولی بی توجهی به خلق و خونی که ناشی از کولتور اصلی ما بود، آن بی توجهی و آن بی اعتنائی دیگر نیست و تاپیک حدودی رعایت خلق و خوی مردم میشود و تا يك حدودی آداب و سنت های ایرانی که تا حدودی یعنی خیلی زیاد رعایت میشود در

حدی که گاهی اوقات در دولتها ما مشاهده میکردیم که تسلیم خرافات هم میشوند که این خرافات يك مقداری از خلق و خوی گذشته بود. ولی بهرحال چستی که مملکت داشت جهت مدرنیته شدن بود و این بورژوازی هم در همان جهت بوجود آمده بود و در آن رشد کرده بود البته تمام خصلت های بورژوازی را که در دنیا بود هنوز پیدا نکرده بود، هنوز مالپرست نشده بود، هنوز تحت تأثیر آن اصول اولیه که بایستی از مادیات پرهیز بکنیم هنوز آن اخلاق را ناهدودی داشت و هنوز مال پرست نشده بود ولی بهرحال آنچه که مهم است اینست که این نیرو وجود داشت و میدانست که وجود دارد و میدانست که برای حیات خودش باید موثر باشد و میدانست که باید از خودش دفاع بکند. این نیرو برای اینکه بتواند از خودش دفاع کند و وجود داشته باشد و بتواند شرایط رشد خودش را فراهم بکند باید فعالیت بکند و بایستی سعی کند که در قدرت شرکت کند و باید سعی کند که قدرت را محدود به اراده خودش بکند، برای اینکه خیالش بستگی پایین دارد و از طرف دیگر می بیند که آن پشتیبان اصلی از بین رفته و حالا نمیداند که چه میشود آیا دو مرتبه در کام آخوند گرفتار میشود یا دومرتبه در کام فئودالها گرفتار میشود. از نظر فراكمیونی خودش هم که این خوفها برایش هست صفاً "يك نوستالژی آزادی هم در خودش احساس میکنند و میگویند که زندگی خودم را ادامه بدهم منهای آن محدودیتهائی که در زمان رضا شاه بود. این نیرو تکه تکه شروع میکنند بفکر کردن و جمع شدن و گذاش کردن و با هم پیوستن و با هم پیوند کردن. يك چنین وضعیتی در جامعه ما بود و ما البته باید در نظر داشته باشیم که در مقابل این نیروی متولد نیروهای دیگری هم دارند خودشانرا آماده میکنند که در مقابل این نیرو قرار بگیرند. فئودالها نمیخواهند، فئودالها کجا میخواهند که این نیروی بورژوازی رونق پیدا بکند برای اینکه رشد بورژوازی مربوط باینست که فئودالیت از بین برود به اضافه آخوند، آخوند نمیخواهد، بهر صورت آن دار و دسته که انستکریست نیست میخواهد نیروی مسئولی و نیروی مهابت بر جامعه خودش باشد و نفوذ خودش آنها هم بفکر خودشان مشغولاند. حالا سال ۲۱ است و آن سال هم تمام شده و سال ۲۲ شروع میشود بنده هم يك وکیل عدلیه هستم در شیراز... (بقیه مطالب مصاحبه مربوط است به فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مصاحبه شونده که درج نگردید).

نوار شماره ۶ ب

مندرجات يك قسمت از نوار مربوط به ادامه مطالب سابق الذکر در مورد فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مصاحبه شونده است که به علت تفصیل موضوع درج نگردید و قسمتی از آن پشرح آتی است.

آقای دکتر باهری : بهر صورت در همان موقعی که ما این جمعیت را تشکیل داده بودیم يك آمد و رفتی از طرف حزب توده در شیراز بود. يك آقای بود بنام علی متقی جزء ۵۲ نفر نبود اما همراه ۵۲ نفر بود به این معنی که او با آن جهانموز بود خاطرتان هست ؟ نه، من شما نباید اقتضا بکند، در اواخر سلطنت رضاشاه يك جنبشی نظیر جنبش ناسیونال سوسیالیسم مخصوصاً در ارتش پیدا شد. کسی که رهبر این جنبش بود در ارتش افسری بود بنام جهانموز، جهانموز چند نفر از همشاکردیهای خودش را هم آورده کرده بود و تبلیغ کرده بود و مرا با خودش کشانده بود و از جمله اینها دو نفر بودند که شیرازی بودند یکی علی متقی بود و یکی قریشی، اسم کوچک قریشی خاطر من نیست شاید علی قریشی بود که بعداً تفصیلات را میگویم او شناخته شده است. قریشی دیگری هم بود و این قریشی که منظور من است در دانشکده افسری بود و جهانموز توانسته بود آنرا هم در دام خودش بیندازد. اینها را پلیس کشف کرد و زندانی شد و

جهانموز اعدام گردید اما علی متقی که دانشجوی خلبانی بود و قریبش که در توپخانه یا سوار بود آنها محکوم بزندن شدند. در زندان اینها با دکتر ارانی و همکاران دکتر ارانی آشنائی پیدا می کنند و با تئوری مارکسیسم لیننیسم آشنا میشوند. اشاره به این مطلب شاید کافی است که مارکسیسم لیننیسم ظاهرًا "متکی بیک منطقی است، منطق دیالکتیک اما ناسیونال سوسیالیسم بیک تئوری است که قبولش جز با هیچان و ذوق و شوق و بیک تمایل به ناسیونالیسم و شاید تا بیک حدودی تمایل به اعمال قدرت و برتری و اعتقاد پاینده برتر باید زنده بماند و پائین تر باید از بین برود و اینها است و در مقابل تئوری مارکسیسم لیننیسم نمیتواند مقاومت بکند که هر دو بهرحال محو انسانیست است. بهرحال اینها در زندان بعد از آشنائی با دار و دسته مارکسیست لیننیست، مارکسیست و کمونیست میشوند. بعد از آنکه رضا شاه رفت همراه آزادی ۵۲ نفر اینها هم آزاد شدند و وقتی که بنیاد حزب توده گذاشته میشود این آقای علی متقی هم در همان حزب وارد میشود و چون در شیراز آشنا داشت یعنی تمام جواهرائی که باصلاح نیروی متولد زمان رضا شاه بودند و هندوره و هممال با او بودند و آشنا بودند، از این جهت او را فرستادند بهشیراز برای خاطر اینکه بلکه بتواند مقدمات تشکیل کمیته ایالتی حزب توده را بدهد. متقی بیک آدم ملایم و متینی نسبتًا بود که البته منطق دیالکتیک را آموخته بود. قریبش آدم باهوشتری بود ولی شاید بمنازات و ملایمت این نبود و مثل اینکه قریبش را فرستاد اصفهان و اینرا فرستادند شیراز که میآمد و میرفت و با جوانهای شیراز تماس پیدا کرده بود. بنده هیچ شنیدمش ولی شبانه در جلسات و خانهها با بعضی از جوانها تماس میگرفت و بالاخره در اواخر سال ۲۲ مثل اینکه توانسته بود با فریدون توللی و رسول پرویزی تماس بگیرد و آنها را وارد بکند بحزب توده. البته آنها هم هیچوقت با من صحبتی نمیکردند ولی بالاخره اوائل سال ۲۴ کمیته حزب توده ایالتی را تشکیل دادند و آقای متقی خودش، صدر کمیته نسبتوانم بگویم ولی عضو کمیته و رابط با تهران بود و آقای رسول پرویزی و آقای فریدون توللی و آقای اجتماعی و جوادی و آقای جهانگیر، اینها عضو بودند. بنده عضو نبودم ولی با اینها آمد و شد داشتم. ارتباط من با آن آقایان که معلوم بود، با جهانگیر هم سابقًا آشنا بودم و او همکلاس و هم مدرسه با من بود، بعداوه جهانگیر بیک کرفتاری دادگستری هم داشت که بمن مراجعه کرده بود که من برایش انجام بدهم راجع به خانه اش. (بقیه نوار مربوط به ادامه مطلب مذکور است که درج نگردید)

نوار شماره ۷ الف

بیک قسمت از مصاحبه مربوط به تشکیل حزب توده در فارس است و همچنین مربوط است به محیط اجتماعی و سیاسی ایران بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰، جریان فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مصاحبه شونده که درج نگردید و قسمتی از آن بشرح آتی است.

آقای دکتر باهری: خاطر من است که قوای انگلیس ایران را تخلیه کرد ولی روسها قوایشان را نگهداشتند در ایران و از ایران نمیرفتند. بعد معلوم شد که روسها توسعه طلبانند. تا آن موقع قیافه روسها قیافه بیک ملت قهرمان و بیک ملت آزادیخواه و بیک ملت ضد فاشیست ارائه میشد و مخصوصًا در آن جنگ میگفتند که آنها قهرمان مبارزه با فاشیسم و نازیسم هیتلری و فجاجیح هیتلری هستند و روسها ملت آزادیخواه هستند ولی جنگ که تمام شد موقمی که اینها دست یاری خودشانرا برمیچیدند از همان موقع احساس شد که نه اینطور نیست و استالین هم همان هوسها را دارد که هیتلر داشت. منتهی او در بیک شکل و عبارات و فلسفه دیگری

و روسها باتکاء فلسفه دیگری. اما بهرحال منهای هر دو فلسفه یعنی فلسفه ناسیونال سوسیالیسم هیتلر و فلسفه کمونیسم استالین هر دو غایتش دیکتاتوری و سلب آزادی و تسلط بر حقوق مردم و نفی حقوق و آزادیهای فردی مخصوصاً در کشورهای دیگر بود. بتدریج البته معلوم شد شاید مسئله ایران از مسائل اولیه بود که در دنیا قیافه شوروی را نشان داد. برای خاطر اینکه این مطلب معین و مشخص بشود و روسها با این قیافه شناخته بشوند تنها این پیش آمد کافی نبود. چند سال بعد معلوم شد که تمام دنیا نظیر مارتها و اینها همه اشتباه میکردند و گرفتار ویزپون (Vision) بودند و این کافی نبود که بگوئیم همه بیدارند و مواجه با يك هیولائی هستند بنام روسیه امپریالیست، امپریالیستی در همه جا فرق ندارد ولی متد آن فرق دارد، باینصورت موضوع ایران از نظر اشغال شوروی ها يك مشکل بزرگی در عالم شده بود. بنده اسناد را واقعا" خوانده‌ام و هیچ کار بیطرفانه‌ای هم از طرف مورخین خودمان نشده که چه شد و چطور شد که روسها چطور حاضر شدند ایران را تخلیه کنند. البته بنده سهم ملت ایران را در این موضوع باید فوراً" اشاره کنم سهم ملت ایران بی‌تابیش بود، سهم ملت ایران نه‌ترتی بود که پیدا کرده بود از نیروی اشغالگر... بهر صورت آنطور که نقل میکنند فشار خارجی ها بود فشار امریکا یعنی تهدید امریکا بود و الا آن آرزوها و احساسات ملت ایران شاید نمیتوانست در این کار موثر باشد. تهدید امریکائی ها بود ترومن گویا سخت در مقابل استالین ایستاده بود. از قرار معلوم مولوتف هم که وزیر خارجه جماهیر شوروی بود در آن موقع با توجه به آداب بین‌المللی برخلاف استالین معتقد بود که ایران باید تخلیه بشود. بالاخره ایران تخلیه شد. البته در تخلیه ایران غیر از آن احساسات ملت ایران کسانی که بنمایندگی از آن احساسات شدید ملت ایران عمل کردند و خوب پایبستی اسمشان آورده بشود شاه بود اولاً". شاه ایستادگی کرد، شاه در مقابل روسها ایستادگی کرد در حالی که استعداد ضعیف دولت ایران را میدانست و می‌شناخت، معذک ایستادگی کرد بعد قوام السلطنه بود. سهم قوام السلطنه را نباید فراموش کنیم. علاوه بود. این اشخاص سهم بزرگی در تخلیه ایران داشتند از ارتش شوروی. البته روسها قبل از این جریان تشویق کرده بودند که يك دولت خود مختار در آذربایجان شوروی (ظاهراً" منظور مصاحبه شونده آذربایجان ایران است) روی کار بیاید و سر دسته این دولت خود مختار هم جعفر پیشه‌وری بود حالا روابط پیشه‌وری با سایر افراد چه بود و پیشه‌وری کی بود و کسان دیگری که ماهوریت داشتند و نوکر روسها بودند و چه نقشی داشتند؟ نه واقعا" اسناد و مدارک این وقایع در اختیار من است، چون در جریانش نبودم و خاطرات من را میگویم... (بقیه مطالب نوار مربوط به ادامه موضوع مذکور در فوق است و همچنین مربوط است به مسئله نفت شمال ایران و پیدایش فرقه دمکرات و تشکیل انجمن های ایالتی که بعلت تفصیل موضوع درج نگردید)

نوار شماره ۷ ب

قسمتی از مصاحبه مربوط است به ادامه مطالب قبلی و تشکیل جمعیت آزادگان و جامعه روشنفکران از طرف مصاحبه شونده و عضویت ایشان در حزب توده و همچنین مربوط است به مسئله ایلات و فئودالیسم و تشکیل حزب اراده ملی و حزب ایران و حزب دمکرات ایران و مسئله نهضت جنوب و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی مصاحبه شونده که بعلت تفصیل موضوع درج نگردید .

نوار شماره ۸ الف

مندرجات نوار مصاحبه شامل است : خروج مصاحبه شونده از حزب توده و عزیمت بخارج از کشور برای تحصیل پیدایش انشعاب در حزب توده مسئله جواز فروشی در دولت قوام المملنه و غارتگری ایلات از انبارهای گمرکات جنوب. وجود نقائص در دستگاههای سرپرستی دانشجویان ایرانی مقیم خارج که به علت تفصیل موضوع درج نگردید.

نوار شماره ۸ پ

قسمتی از مندرجات نوار مصاحبه مربوط است به ادامه موضوع سرپرستی محصلین و سایر قسمتها مربوط به موضوعات آتی است : نقص در انتخاب رشته های تحصیلی - تشکیل اتحادیه دانشجویان و سپس کنفدراسیون و نمایان سیاست دانشجویان. وقایح ۲۸ مرداد و عکس العمل اعضای حزب توده نسبت به مصاحبه شونده پس از خروج او از حزب و مراجعت ایشان به ایران. که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید .

نوار شماره ۹ الف

قسمتی از نوار مربوط است به مراجعت مصاحبه شونده از خارج بکشور و اشتغال بعنوان مشاور حقوقی در شرکت پنبه و شرکت تلفن و قسمتهای دیگر مربوط به موضوعات آتی است : فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مصاحبه شونده. وضع گروهها و قدرتهای اجتماعی در دهه سوم و چهارم سال ۱۳۰۰. ایلات، روحانیون، انتگریمت ها، حزب توده، طرفداران دکتر مصدق، مالکین و صاحبان صنایع و بازرگانان و کارمندان که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۹ پ

قسمتی از مندرجات مصاحبه مربوط است به ادامه مطالب سابق الذکر و همکاری مصاحبه شونده با رژیم و همچنین مربوط به موضوعات آتی است : ملی شدن نفت - بروز اختلاف نظر بین محمد رضا شاه پهلوی و دکتر مصدق - بالا رفتن قیمت نفت - ماهیت حزب توده و کمونیسم. هم آمنگی بین جنبه ملی با انتگریمتها و کمونیسمت ها. به علت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۱۰ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : حادثه ۹ اسفند و نقش علماء، همکاری مصاحبه شونده با رژیم، آشنائی او با امیرامدالله علم، اشتغال بتدریس در دانشگاه که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۰ پ

مندرجات نوار درباره موضوعات عادی است : تشکیل حزب مردم و ملیون. مسئله حقوق زن به علت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید .

نوار شماره ۱۱ الف

مصاحبه مربوط به موضوعات آتی است : تشکیل حزب مردم و تاریخچه آن، حزب مردم در ارتباط با گروههای اجتماعی، تیرگی روابط ایران و شوروی که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید .

نوار شماره ۱۱ ب

قسمتی از نوار مصاحبه مربوط به ادامه مطلب سابق الذکر است و قسمتی دیگر مربوط است به تحریرات توده ایها در جمعیت کلرگری و همچنین مربوط است به حزب مردم و بهائیت که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۲ الف

محتویات مصاحبه درباره ادامه موضوع نوار قبلی است در خصوص بهائیت و حزب مردم و همچنین مربوط است به حزب مردم که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۲ ب

محتویات نوار مصاحبه درباره فعالیت های حزب مردم و ایجاد دو دستگی در آن حزب است که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۳ الف

مندرجات نوار در قسمتی عبارت است از ادامه مطالب سابق الذکر و وضع مصاحبه شونده در حزب مردم و موضوع انتخابات که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۳ ب

مندرجات نوار مربوط است به فعالیت های حزب مردم و نقش مصاحبه شونده در آن و همچنین موضوع انتخابات که به علت تفصیل موضوع ثبت نگردید.

نوار شماره ۱۴ الف

مندرجات نوار مربوط به موضوعات آتی است. انتخابات مجلس و فعالیتهای حزب مردم و ملیون در این خصوص - رقابت بین دکتر اقبال و امیراسدالله علم - مسئله سیاست های خارجی ایران در ارتباط با انتخابات - حدود آزادی انتخابات. ریاست جمهوری کشدی و پیدایش بحران در پاره ای از امور مربوط به رژیم - استعفای علم از دبیرکلی حزب مردم - کناره گیری مصاحبه شونده از سمت حزبی خود که به علت تفصیل موضوع

ثبت تمام صاحبہ مقدورنگردید.

نوار شماره ۱۴ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : بحث و انتقاد درباره فعالیت‌های حزبی و ماهیت احزاب در ایران. جبهه ملی و سیاست اشکامستان در ایران - حزب رستاخیز - زمینه‌های فکری شاه در زمینه دموکراسی و عمران مملکت. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدورنگردید.

نوار شماره ۱۵ الف

مندرجات نوار راجع به موضوعات آتی است : برنامه های عمرانی - فدائیان اسلام و مسئله نفت - استعفای دولت اقبال و روی کار آمدن دولت شریف امامی - اعتصاب معلمان و روی کار آمدن دولت دکتر امینی. مسئله اصلاحات ارضی که درج تمام آن بعثت مولانی بودن مطالب میسر نگردید.

نوار شماره ۱۵ ب

مندرجات صاحبہ راجع به موضوعات آتی است : اصلاحات ارضی - مبارزه با فساد - سیاست دولت امینی در قبال مسئله دموکراسی و بحران‌های که در دانشگاه تهران پدید آمد. درج تمام صاحبہ بعثت تفصیل موضوع میسر نگردید.

نوار شماره ۱۶ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : مسئله اصلاحات ارضی و نقش ارستجانی وزیر کشاورزی در این خصوص - موضوع تشکیل بنیاد پهلوی و همکاری صاحبہ شونده در بنیاد. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام آن مقدور نگردید.

نوار شماره ۱۶ ب

مندرجات صاحبہ درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب مربوط به بنیاد پهلوی و خدمات آن در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی - تدریس صاحبہ شونده در دانشگاه. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام آن مقدور نگردید.

نوار شماره ۱۷ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : استعفای دولت امینی و روی کار آمدن دولت علم و خصوصیات آن دولت - سیاست خارجی امریکا نسبت به ایران. ثبت تمام صاحبہ بعثت تفصیل آن مقدور نگردید.

نوار شماره ۱۷ ب

مندرجات نوار درباره خصوصیات دولت علم و وزراء آنست که بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام آن میسر نگردید.

نوار شماره ۱۸ الف

مندرجات نوار مربوط بموضوعات آتی است : دولت امیر اسدالله علم و سمت صاحبیه شونده بعنوان معاون خدمت وزیر - مقدمات روی کار آمدن دولت منصور. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبیه مقدر نگردید.

نوار شماره ۱۸ ب

مندرجات نوار درباره دولت علم و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی صاحبیه شونده و خدمات ایشان در دولت است که بعالت تفصیل موضوع درج نگردید.

نوار شماره ۱۹ الف

مندرجات نوار عبارت است از پیدایش اختلاف نظر بین دولت علم و روحانیون و نقش صاحبیه شونده در این مورد که بعالت تفصیل موضوع درج تمام آن میسر نگردید.

نوار شماره ۱۹ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است. تماس دولت علم با سران جنبه ملی - تأثیر دولت علم در روابط بین ایران و خارجه و آمدن معاون رئیس جمهور امریکا به ایران. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبیه مقدر نگردید.

نوار شماره ۲۰ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب مربوط به آمدن معاون رئیس جمهور امریکا به ایران - انعکاس مسائل نفتی در ایجاد نا آرامی در کشور - نحوه تصمیم گیری در دولت و نظر شاه در امور سیاست خارجی - وضع جنبه ملی در آندوران و تظاهرات علیه رژیم - روحانیت و اصلاحات ارضی. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبیه مقدر نگردید.

نوار شماره ۲۰ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : روحانیت و اصلاحات ارضی و پیدایش اشتکریت ها -

تصویب‌نامه مربوط به انجمن های ایالتی و ولایتی و حلف ممنوعیت مشارکت زنان در امر انتخابات و مخالفت روحانیون با تصویب‌نامه مذکور. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۱ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : نقش مصاحبه شونده در دولت، مشکلات اجرایی اصلاحات ارضی در رابطه با مالکین بزرگ و روحانیون، وضع چپه ملی و نا آرامی در دانشگاه. بعلت تفصیل موضوع درج تمام آن میسر نگردید.

نوار شماره ۲۱ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : بحث اجمالی درباره اصول انقلاب سفید و تصویب ملی . ثبت تمام صاحبه بعلت تفصیل موضوع میسر نگردید.

نوار شماره ۲۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع صیانت حقوق زنان - ترمیم کاپینه علم و مقدمات انتصاب مصاحبه شونده به سمت وزیر دادگستری - اثرات اصلاحات ارضی و نقش ارمنیچاشی وزیر کشاورزی وقت در این خصوص. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب درباره ترمیم کاپینه علم و انتصاب مصاحبه شونده به عنوان وزیر دادگستری - برنامه های مصاحبه شونده برای اصلاح دادگستری که بعلت تفصیل موضوع درج تمام آن مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : مشکلات دادگستری و طرز حل آن - بیان مشروح اقدامات اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه میسر نگردید .

نوار شماره ۲۲ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب مربوط به برنامه های اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری - تهیه طرح های لازم برای اصلاح دادگستری. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۴ الف

مندرجات مصاحبه مربوط است به ادامه مطالب سابق در زمینه برنامه‌های اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری و انضمام معاونین و مدیران کل دادگستری. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۴ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذکر و پیدایش پاره‌ای تعارضات در داخل دادگستری - شرح پاره‌ای برنامه‌های اصلاحی مصاحبه شونده برای وزارت دادگستری. ثبت تمام مصاحبه بعلت تفصیل موضوع مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۵ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : تامین بودجه وزارت دادگستری و اضافه حقوق قضات و کارمندان اداری دادگستری. بعلت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۵ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : وضع پرونده‌های کیفری مربوط به اتهامات پاره‌ای از ما مورین دولت که در دولت امینی در دادگستری مطرح شده بوده و نتایج آن- پاره‌ای تصمیمات هیئت دولت. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۶ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : وضع دانشگاهها - شرح پاره‌ای از اقدامات مصاحبه شونده در دولت - مقدمات واقعه ۱۵ خرداد. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۶ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذکر درباره مقدمات و موجبات واقعه ۱۵ خرداد و وضع تیمور بختیار - روابط سیاسی ایران با بعضی از کشورهای خارجی - موضوع مصونیت قضائی مستشاران امریکائی در ایران. بعلت تفصیل موضوع درج تمام محتویات نوار مقدور نگردید.

نوار شماره ۲۷ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذکر در خصوص مقدمات و موجبات واقعه ۱۵

خرداد و شرح قدرتهای ضد انقلاب ۶ بهمن - شرح واقعه ۱۵ خرداد. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۷ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذكر درباره شرح واقعه ۱۵ خرداد - اقدامات دولت درباره تاءمین امنیت. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مندرجات نوار مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۸ الف

مندرجات مصاحبه درباره پاره ای از وقایع بعد از ۱۵ خرداد و شرح اقدامات مصاحبه شونده بعنوان وزیر دادگستری است . بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام آن مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۸ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب فوق الذكر - شرح اقدامات مصاحبه شونده در دادگستری و مسئله استقلال قوه قضائیه و تشکیل شورای عالی قضائی. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۹ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : مسئله محاکمه وزراء و شرح محاکمه وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش وقت - مسئله انتخابات مجلسین. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام نوار مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۹ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق مربوط به انتخابات - موضوع محاکمه ظهیرالاسلام و بیوک صابر - اقدامات اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری.

نوار شماره ۲۰ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : مشکلات اجرای تصویب نامه های قانونی از طرف محاکم - اقدامات اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۰ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : برنامه‌های مصاحبه شونده در مورد کار آموزی قضات - ادامه مطالب سابق الذکر درباره اصلاح امور دادگستری. بعلت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۱ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است. ادامه مطالب سابق الذکر درباره اصلاح امور دادگستری - موضوع رد تقاضای مصونیت افراد نیروی دفاعی امریکا در موقع مانور نظامی در خلیج فارس. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۱ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : شرح يك پرونده کیفری مربوط به ربودن و قتل يك طفل - اصلاحات انجام یافته در دادگستری . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۲ الف

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق درباره اصلاح دادگستری - اقدام نافرجام در تغییر دولت علم - ماهیت و کیفیت انتخابات در ایران و حدود دخالت احزاب - کنگره آزاد زنان و آزاد مردان. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره انتخابات - وضع مجلسین بعد از انقلاب ۶ بهمن. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : اقدامات مصاحبه شونده در دادگستری - موضوع تصویبنامه‌های قانونی. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مندرجات نوار میسر نگرديد.

نوار شماره ۲۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : اقدامات اصلاحی مصاحبه شونده در دادگستری - مسئله اجرای تصویبنامه های قانونی درباره خانه‌های انصاف. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۴ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : اقدامات صاحبہ شونده دربارہ تصویبنامہ های قانونی مربوط به دادگستری - شرح لوایح تنظیمی از طرف وزارت دادگستری. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۴ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : شرح يك پرونده کیفری مطروح دادگستری. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۵ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : سپاه دانش و بهداشت - مقدمات روی کارآمدن دولت حسنعلی منصور. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۵ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : شرح اجمالی دربارہ کارنامه اقدامات دولت اسدالله علم - روی کار آمدن دولت حسنعلی منصور - استعفاء کابینه علم. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۶ الف

مندرجات نوار دربارہ موضوعات آتی است : روی کارآمدن دولت حسنعلی منصور - اشتغالات صاحبہ شونده پس از استعفاء دولت علم. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۶ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : با بردن قیمت نفت و بنزین در دولت منصور - آثار واقع ۱۵ خرداد بر روی دولت منصور - لایحه مصونیت قضائی مستشاران امریکائی در ایران . بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۷ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوع آتی است : شرح اشتغال صاحبہ شونده در دانشگاه . بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگریدید.

نوار شماره ۲۷ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : فعالیت های جنبی و فرهنگی صاحبہ شونده۔ شرح اقدامات دولت منصور - ترور منصور - روی کار آمدن دولت هویدا - اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور. بعلت تفصیل موضوع درج تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۸ الف

مندرجات نوار دربارہ موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق دربارہ اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی کشور و موضع روحانیت - ترکیب دولت هویدا - ترور محمد رضا شاه پهلوی - اقدامات و کارنامه دولت منصور. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۸ ب

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : اظهار نظر دربارہ هویدا - اشتغالات صاحبہ شونده در امور فرهنگی - پیدایش انتگریم - انتماب صاحبہ شونده بمعاونت وزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۹ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : اشتغال صاحبہ شونده در وزارت دربار - وزارت دربار در ارتباط با دولت - پارہای مناسبات کادر سیاسی امریکا در ایران با بعضی از ایرانیان - مقامات وزارت دربار - بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۲۹ ب

مندرجات نوار دربارہ موضوعات آتی است : اقدامات صاحبہ شونده در زمان معاونت وزارت دربار - کیفیت مراجعات و شکایات مردم بوزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۰ الف

مندرجات نوار دربارہ موضوعات آتی است : طبقات روحانیت در ایران - قانون استخدام کشوری و وضع وزارت دربار از لحاظ استخدامی . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۰ ب

مندرجات نوار صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذکر دربارہ قانون استخدام کشوری - اقدامات صاحبہ شونده در وزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۱ الف

مندرجات نوار مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطابق سابق الذکر درباره اقدامات مصاحبه شونده در وزارت دربار - مراسم تاجگذاری و جشن های دوهزار و پانصد ساله. بعلت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۱ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : تشکیلات داخلی وزارت دربار و متصدیان آن و قانون استخدام وزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره قانون استخدام وزارت دربار - شرح اقدامات و مشاغل مصاحبه شونده در وزارت دربار - شرحی درباره دانشگاه تبریز و دانشگاه آریامهر. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره دانشگاهها - شرحی درباره رادیو و تلویزیون ایران - موضوع تألیف تاریخ ایران در دانشگاه کمبریج. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره تألیف تاریخ ایران - اقدامات مصاحبه شونده در وزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۲ ب

مندرجات مصاحبه در پاره موضوع آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره اقدامات مصاحبه شونده در وزارت دربار - انتصابات در وزارت دربار . بعلت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۴ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : اظهار نظر درباره هویدا و مقایسه او با علم در ارتباط با

شهبانو فرح پهلوی. اقدامات اجتماعی وزارت دربار. بعثت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۴ ب

مندرجات نوار مصاحبه شامل موضوعات آتی است. ادامه مطالب سابق الذکر راجع بوزارت دربار - اقدام در بسط و گسترش مراسم مذهبی و معارف اسلامی. بعثت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۵ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق درباره معارف اسلامی و تغییر مجدد سببها و کتابخانه سلطنتی و بعثت تفصیل موضوع درج تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۵ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : آشنائی مصاحبه شونده با والا حضرت اشرف پهلوی - اوضاع داخلی وزارت دربار. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۶ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع ذوب آهن و ترقیات صنعتی کشور - وضع دانشگاهها. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۶ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : انقلاب آموزشی. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۷ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است. ادامه مطالب سابق الذکر درباره انقلاب آموزشی. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۷ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق الذکر درباره انقلاب آموزشی و وضع دانشگاهها - مسئولیت مصاحبه شونده برای بازرسی دانشگاهها. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوع آتی است : جشن دو ہزار و پانصد سالہ . بہلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگردید.

نوار شماره ۴۸ ب

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : موضوع ساختن خانہ ہای سازمانی و ساختمان کاخ سلطنتی در کاخ فرح آباد . موقعیت علم وزیر دربار، کہ در این خصوص آقای دکتر باہری چنین گفتہ اند.

آقای دکتر باہری : ... مطلب دیگری کہ از خاطراتم هست ، بعد از جشنہای دو ہزار و پانصد سالہ بندہ شبی در یک مہمانی عروسی بودم آقای حکمت یزدی کہ سابقاً از قضات دادگستری بود و او بود کہ مستنطق پروندہ مرحوم منصور ہم بود و یک دورہ ہم وکیل شد ولی آن موقع مثل اینکہ وکیل نبود، درست خاطرہ نیست، در یک مہمانی عروسی بودم مربوط بہ یزدیہا کہ آقای حکمت یزدی ہم آنجا بود وقتی مرا دید ادب و لطفی کرد . او در خارج از تہران بود من او را آورده بودم تہران چون قاضی خوبی بود . آمد پیش من و گفت آقا من مدیون شما ہستم و خیری از دیشب تا حالا داشتم کہ میخواستہم بشما بگویم، گفتہم کہ بفرمائید . مرا کشید کنار و گفت یک جلسہ ای هست کہ این آقای گنجی در حضور علیاحضرت راہ انداختہ بنام ہیئت مشاوران علیاحضرت و من ہم در این جلسہ ہستم یعنی مرا ہم آورده اند باین جلسہ . دیگر من تحقیق نکردم کمان دیگر چہ کسانی بودند . آقای حکمت یزدی گفت کہ : دیشب آقای دکتر گنجی حملہ شدیدی بمرحوم اقبال و مرحوم علم کرد . آنوقت آنہا مرحوم شدہ بودند و از اینہا خیلی بد گفت و گفت کہ اینہا آدمہای بدی ہستند و از وجود اینہا رژیم ضرر می بیند و اینہا قانقاریای رژیم ہستند و از این حرفہا و علیاحضرت ہم ہمہ را گوش کرد و بعد حکمت یزدی گفت کہ گنجی راجع بہ تو صحبت کرد کہ فلاسی آدم بدی هست و آدم فاسدی است و ما ہمینطور گوش میکردیم . من گفتہم چہ میگفت و چہ بودہ، حکمت یزدی گفت ہلہ آقای دکتر گنجی گفت کہ ایشان از یک کلاہبردار حمایت میکند . من گفتہم کلاہبردار کی هست و او گفت کہ کلاہبردار دکتر علومی است . دکتر علومی استاد دانشگاه است . بندہ گفتہم بسیار خوب ایشان ہرچہ گفتہ باشد ما معاون وزارت دربار اعلیحضرت ہستیم و اعلیحضرت ہرچہ بدارد ہمانست والا دیگران ہرچہ میخواہند بگویند اهمیت ندارد . نمیدانم بہدین مناسبت بود یا بعدش با مرحوم علم صحبت میکردم . مرحوم علم گفت کہ این حرفہا مزخرف است و تا من ہستم ہیچکس نگاہ چپ ہم نمیتواند بتو بکند . یعنی خواست قدرت خودش را در دربار و در پیش شاہ نشان بدهد . واقع ہم ہمینطور بود و مرحوم علم در آن موقع ہا وقتی کارہائی بشرفعرض قرار بود ہرمد، بدون اینکہ بشرفعرض ہرساند این اختیار را داشت و این اعتماد را شاہ پاو داد کہ مینوشت بشرفعرض رسید و اوامر ہمایوشی چنین شرف صدور یافت، بدون اینکہ شاہ اطلاع داشته باشد . تا این اندازہ مورد اعتماد شاہ بود کہ بعضی از مطالب کہ احتیاج نبود بشرفعرض ہرمد، راہی شاہ را بطور کلی میدانست و یا اینکہ شاہ بہرحال برطبق نظر علم فرمان صادر میکرد، این بود کہ می نوشت اینطوری و این مقام است . آئروز بہ بندہ خواست بگوید کہ این حرفہا ! من گفتہم نہ من کہ اهمیت نمیدہم و یک دلہستگی کہ اینجا ندارم بقیہ مطالب مربوط است بوضع دولت و امور عمرانی و کیفیت تشکیل حزب ایران نوین و حزب مردم . بہلت تفصیل

موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۹ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : حزب مردم - مسئله ديمقراسی و کیفیات تطبیق آن با اختیارات قوای حاکمه در ایران - موضوع پازرسی و ارزشیابی کار دانشگاهها. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۴۹ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر در موضوع دانشگاهها و بحث درباره تشکیل گارد دانشگاه و ذکر چند خاطره در این خصوص. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۵۰ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع اردوی تابستانی دانشجویان - موضوع تغذیه رایگانی دانش آموزان - موضوع سواد آموزی عشایری. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۵۰ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره دانش آموزی عشایری - کیفیات اعیاد ملی و مذهبی در مراسم سلام. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۵۱ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره مراسم سلام - موضوع نیابت تولیت آستان قدس رضوی. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۵۱ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات زیر است : موضوع بهائیت و فراماسونری - موضوع آستان قدس رضوی. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگرديد.

نوار شماره ۵۲ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوع آتی است : موضوع استان قدس رضوی و نیابت تولیت آن. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۲ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : مستحدثات عمومی در جزیره کیش. مسئله جزائر تنب و ابوموسی و بحرین. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۲ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : انجام اقدامات عمرانی در کشور - مسئله معافیت های گمرکی وزارت دربار. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۲ پ

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : اظهار نظر دربارہ فردوست. موضوع ناپسامانی مالی در باشگاه تاج - اظهار نظر دربارہ بعضی اشخاص وابسته بدربار- لژیون خدمتگزاران پشور. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۴ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق دربارہ لژیون خدمتگزاران پشور. موضع والا حضرت اشرف پهلوی در امور ممالکتی و حدود هویدا و علم در تابعیت از نظریات ایشان - خواسته های شاپور بختیار از علم در مورد عضویت هیئت مدیره کلوب فرانسه و ارجاع کاری پاو در بانک اعتبارات صنعتی و معدنی - تشکیل بنیاد خیریه والا حضرت اشرف پهلوی. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۴ پ

مندرجات نوار دربارہ موضوعات آتی است : موقوفه کاخ مرمر - اظهار نظر در مورد فعالیت های عالی رضائی و مؤثر پزدانی. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۵ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : جشن ۵۰ سال سلطنت پهلوی - اظهار نظر دربارہ مهرداد پهلبد. بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگریدید.

نوار شماره ۵۵ ب

مندرجات نوار درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق‌الذکر درباره جشن پنجاه ساله سلطنت پهلوی - شرح خاطراتی از علم. بعثت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۵۶ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : جشن پنجاه ساله سلطنت پهلوی - اظهار نظر در مورد حزب رستاخیز و سایر احزاب. قسمتی از مصاحبه که ثبت گردید. بشرح زیر است:

سوال : میخواستیم عقیده شما را بپرسم که چرا رستاخیز شکست خورد.

آقای دکتر باهری : حالا اجازه بدهید بشما بگویم ، دلائل شکست رستاخیز را ضمن توضیح پراسس (Process) رستاخیز اصلاً" خواهید دانست. اولاً" باید بشما عرض کنم که بطوریکه خواهید دید رستاخیز بنایش بر فائتزی نبود، بنای رستاخیز جزء يك برنامه کلی بود که شاه داشت. بعداً" قرائن دیگری هم که در دست هست برایتان بیان خواهم کرد و ذکر خواهم کرد که طبق قرائن متعدد که در دست هست فکر میکنم که در این طرح کلی که رستاخیز هم جزء آن بود و مشاورین امریکائی هم شرکت داشتند. امسی از طرح آوردم اجمالاً" بگویم بعد بآن خواهم رسید. طرح کلی این بود که مملکت حتی الامکان بطرف دموکراسی سوق داده بشود و حتی الامکان ترتیبی داده بشود که حکومت فقط روی شانه شاه نباشد. میخواستند ترتیبی بدهند که خلاصه مردم در اداره حکومت شرکت داشته باشند و بار حکومت فقط قائم و روی شانه شاه تنها نباشد. این طرح کلی که عرض کردم اینست و حالا ملاحظه خواهید کرد. مسائلی که پیش میآید و برایتان از خاطراتم بیان خواهم کرد که می بینید که این حدس من، این حدس را برایتان میزنم و اطلاع خاصی ندارم ولی امارات و قرائن هست که این حدس را برای من پیش آورده و برای شما خواهم گفت. عرض کنم که میدانشید حزب ایران نوین شکست خورده بود، حزب ایران نوین بعنوان اینکه يك تشکیلات سیاسی باشد که ارتباط حکومت را با جامعه ایرانی فراهم بکند و باصطلاح منعکس کننده فکر اکثریت مردم باشد، در مقابل يك اقلیت مثل ممالک دموکراسی، يك چنین چیزی نبود. حزب ایران نوین در واقع يك دستگاهی شده بود برای اشخاصی که میخواستند وارد کادر دولتی بشوند و در دستگاه سیاسی مملکت باشند و شغل و مقام داشته باشند. آنها میآمدند بیک صورتی خودشانرا نزدیک میکردند پایین دستگاه و به تناسب فعالیت و کوشش، حالا اخلاص نمیتوانم بگویم، بهرحال به تناسب قائده که برای این تشکیلات از خودشان نشان میدادند در مناصب دولتی بآنها کار میدادند ولی هیچ ارتباطی با مردم نبود یعنی این اشخاصی که دنبال کار میگشتند و میآمدند بحزب ایران نوین از توی مردم نبودند و بیکعه از مردم را پشت خودشان نمیآوردند و خودشان تنها بودند که میآمدند. حزب مردم هم وضع بهتری نداشت. وضع حزب مردم، البته نمیشود گفت که آنجا یکدستگاهی بود برای اشخاصی که میخواستند در کار دولتی وارد بشوند، نه، يك دستگاهی بود برای اجتماع معارضین با دستگاه حکومتی و معارضین با طرفداران حکومت. ملاحظه کنید مثلاً" در يك شهری يك عده خودشانرا نزدیک میکردند بحزب ایران نوین برای خاطر اینکه بالاخره بهره‌مند بشوند از حمایت دولت و بهره‌مند بشوند از وجود دولت و بهره‌مند بشوند از

عضویت دولت . خوب اینها یک‌باره معارض و مزاحم داشتند. آن مزاحمیت وقتی عقب می‌افتادند در مسابقه تحصیل قدرت و تحصیل موضع و آن چیزی که دلشان می‌خواست مخالف می‌شدند و مخالف که می‌شدند جای مخالفت آنها کجا بود؟ توی حزب مردم بود نمی‌دانم خوب توجه کردید. در واقع دو میدان معارضه بود از یکطرف یک‌باره ای که زرنگ بودند و خودشانرا چسباندند بودند بدولت و یک عده دیگر که معارض و مخالف اینها بودند و نتوانسته بودند خودشانرا بدستگاه دولت پرسیانند اینها مخالفت می‌کردند. بهیچ وجه مسئله مسئله مشارکت مردم در حکومت نبود و البته حکومت هم این دسته مخالف را هرچه می‌توانست تحت فشار بیشتر قرار میداد اگر محروم بودند، بیشتر محروم‌شان می‌کرد. دسترسی بامتيازات نداشتند و تا حدودی هم که دسترسی میداشتند میبایستی قطع می‌کردند. بهرحال این وضعیت دمکراسی مملکت را تا همین نمی‌کرد. خوب البته من درباره خصلت‌های شاه بعداً برایتان صحبت خواهم کرد. نقاط ضعفش را بیان خواهم کرد مخصوصاً اینکه شاه خیلی مایه از خودش نمی‌گذاشت در کار اداره مملکت و تسلیم مخاطرات نمی‌شد و حالا بعداً برایتان خواهم گفت. اما صرف نظر از این فکر می‌کرد و یک تدابیری اتخاذ می‌کرد. بعید نیست که در اتخاذ این تدابیر با خارجیها هم مشورت می‌کرد و شاید عرض کنم که بعضی تدابیر را تحت تأثیر فشار خارجیها اساساً اتخاذ می‌کرد. شاه فکر کرد که پایستی همه مردم را دخیل بکند در کار حکومت و همه مردم را بیاورد و دستشان را در کار حکومت بگذارد. البته شاه یا روی درک یا روی خود خواهی با بازیهای دمکراتیک عملاً تسلیم نمی‌شد یعنی حاضر نمی‌شد که خلاصه یک اکثریت و یک اقلیت باشد و یک بحث دمکراتیک که یکی اعتراض بکند و ایراد کند و بحث بکند که مسائل مملکتی توی بحث قرار بگیرد و مواضع مختلفی که در اجتماع هست در مقابل هم‌دیگر قرار بگیرد و روی هم باشند، به چنین چیزی تسلیم نمی‌شد حالا یک مقداری از این را البته میشود گفت که بنا بر تجربه‌ای است که روی جامعه ایران داشت، دیده بود که جامعه ما این بلوغ را ندارد که بتواند در آرامش و در نظم نقطه نظرهایش را مقابل یکدیگر قرار بدهد، دیده بود و تجربه داشت در تاریخ و حق هم داشت ملاحظه کردید، حق هم داشت. چون وقتی پی قید و شرط و بدون شرط اجازه بدهد که نقطه نظرها مقابل هم قرار بگیرد کار مملکت پاشوب و اغتشاش و ناامنی می‌کشد که اینها شد. این یک مقدار بود و یک مقدار هم شاید جنبه خود خواهی هم داشت. برای خاطر اینکه اگر حل و فصل مسائل مملکتی را واگذار می‌کرد به ژوی (Jeu) دمکراتیک خوب یک مقدار زیادی از قدرت و اقتدار خودش کم می‌شد. بعید نیست، یعنی بعید نیست که حتماً یک مقداری هم میشود گفت حسود بود، حسود بود نسبت باین امتیازی که در اختیارش بود. اینست که شاه عملاً از رشد انستیتو، بیوتیهای دمکراتیک جلوگیری می‌کرد و پایستی بشما عرض بکنم که شکست حزب ایران نوین و حزب مردم و قبیلش حزب ملیون و حزب مردم همه‌اش در نتیجه همین ملاحظات بود. ایندفعه شاه فکر کرد که از همه مردم یک فرونت (Front) درست کند مسئله حزب نبود و مسئله فرونت بود و برای اینکه هیچکس خارج نماند، چون اکثریت و اقلیت باعث میشد که اقلیت خارج بماند، شاه میگفت که حکومت باید حکومت فرونت باشد و حکومت جبهه باشد و حکومت اکثریت بر اقلیت نباشد بهیچ جهت فکر کرد که یک فرونت بوجود بیاورد... بعلافت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدور نگردید.

شماره ۵۶ ب

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق درباره فعالیت‌های حزب رستاخیز و انتخابات انجام یافته در آن دوره - موضوع تنظیم فله‌نه انقلاب ۶ بهمن . بعلافت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه

مقدور نگردید.

نوار شماره ۵۷ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : موضوع تنظیم فدره انقلاب ششم بهمن ماه . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مندرجات نوار مقدور نگردید.

نوار شماره ۵۷ ب

مندرجات مصاحبه درباره موارد آتی است : موضوع تنظیم فدره انقلاب ششم بهمن ماه - حدود نقش شهبانو در مسائل مملکتی - موضوع آموزش سیاسی و تشکیل جناحهای حزبی . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۵۸ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع انتخاب دبیرکل دوم حزب رستاخیز - موضوع فکر کلی دمکراتیزه کردن امور مملکت و طرحی که محمد رضا شاه پهلوی در این خصوص داشته است، در این خصوص آقای دکتر باهری چنین گفته اند که:

"... اینجا باز برگردیم بکارهای دربار و مخصوصاً" ارائه قرائن و اماراتی که برای آن طرح کلی که بآن اشاره کردم نشان بدهم. یادم میآید که همین ایام بود که یکروز مرحوم علم بمن تلفن کرد و گفت من با شما کار دارم، مریش بود و بدفتر نرفته بود، من رفتم بمنزلش، آنجا به بنده گفت فادنی ما تا حالا از امنستی اینترنشنال (Amnesty International) هرچه نامه میآمد جواب نمیدادیم و میگفتیم که بشما چه مربوط است، امنستی اینترنشنال هم کاغذ مینوشت که فلان آدم شکایت کرده که بازداشت شده برخلاف قانون یا در زندان شکنجه میشود، از این حرفها و همان وعادی که امنستی اینترنشنال همیشه در همه ممالک دارد. شاه تا حالا میگفت که ول کنید و بآن چه مربوط است، دخالت در کار مملکت ما بآنها چه مربوط است ما یک مملکت مستقلی هستیم و آنها هم حق ندارند دخالت کنند و باین جهت هرچه کاغذ میآمد برای ما، از امنستی اینترنشنال، کاغذ برای شاه میآمد، بدربار میآمد و اعلیحضرت میگفت پایگانی کنید و جواب ندهید، پایگانی کنید. اما هلمز بشاه گفته بود که چرا جواب نمیدهید. جواب بدهید چون بالاخره شما این آدمهایی را که میگیرید و بازداشت میکنید خوب لابد اینها تقصیری دارند و مسئولیت قانونی دارند و بر طبق قانون آنها را میگیرند خوب توضیح بدهید و بعلاوه شکنجه هم که کسی شکنجه نمیکند و اگر شکنجه بشود بدولت چه مربوط است حالا فردی یا کسی تجاوزی بکند و چیزی بکند. بهر صورت ایشان به بنده حالی کردند که هلمز توصیه کرده بشاه که جواب بدهید، ایشان گفتیم که برای اینکه ما جواب بدهیم باید یک سکسیون مخصوصی در دربار داشته باشیم که پایکارها رسیدگی بکند و بعد جوابی که میدهد متکی بآن رسیدگی باشد و من صحبت کردم با اعلیحضرت و گفتند که این سکسیون را شما در قسمت امور اجتماعی که زیر نظر شما هست، بوجود بیاورید که این شکایتها را ما بفرستیم پیش شما و شما بدهید رسیدگی کنند و

بعد جوابی که لازم هست بدهند. اینجا من قبل از اینکه پداستان ادامه بدهم باید بشما عرض کنم که هلمز رئیس سی.آی.اِ بود و بعد شد سفیر امریکا در ایران، کارتر او را برداشت و بعد از حکومت کارتر که او را برداشتند ایشان شد مشاور شاه. بنابراین هلمز مشاور شاه بود، اینرا در نظر داشته باشید، این را من بعنوان نشانه‌هایی در مورد تحویلی که در رفتار و سلوک سیاسی شاه و حکومت پیدا شده بود عرض میکنم.

سوال : مشاور شاه که بود در ایران اقامت داشت.

آقای دکتر پامری : بله در ایران اقامت داشت و مشاور شاه بود، منافرت هم میرفت و میآمد. بله در ارتباط با این يك مطلب دیگری را بعداً باید بشما عرض بکنم، بله بهر صورت وقتی این حرف را به بنده زد، بنده پایشان گفتم اینکار را چرا بمن واگذار میکنید، شما يك کانون وکلای دادگستری دارید، رئیس کانون وکلای هم جلالی نائینی است که مورد اعتماد دستگاه است و دستگاه او را تأیید کرده و شما هر شکایتی که میآید بفرستید بکانون وکلای دادگستری و کانون وکلای دادگستری رسیدگی میکنند و جواب میدهند و جوابی که داد ما آنرا میفرستیم به امنستی و اگر يك کار خلاف قاعده‌ای شده باشد بلافاصله مؤاخذ می‌کنیم و اگر کار خلاف قاعده‌ای نشده باشد به امنستی اینترنشنال جواب میدهیم که کانون وکلای دادگستری ما باین موضوع رسیدگی کرده و جریان اینست. مرحوم علم گفت راست میگوئید، درست میگوئید خوب پس شما بروید پیش شاه و مطلب را توضیح بدهید. اینکه مرحوم علم گفت که درست میگوئی این حکایت از این میکنند که دست علم هم در کار آن طرح کلی بود، برای اینکه آن طرح کلی اگر قرار بود اجراء بشود بهترین ترتیب برای رسیدگی باین کارها خود کانون وکلای بود دیگر، این بود که علم هم اکی (O.K) کرد والا علم آدم ساده‌ای نبود که بگوید اگر کانون وکلای دادگستری قرار باشد پاینکار رسیدگی بکند اگر يك وقتی سوءاستفاده‌هایی هم شده باشد و نقض قانون شده باشد معلوم میشود، روشن بود و میدانست که آن طرح ، حالا من حدس میزنم، یعنی میدانست که اگر آن طرح قرار باشد درست اجراء بشود بهتر اینست که دست کانون وکلای دادگستری هم در آن باشد. بله مرحوم علم گفت راه حل خیلی خوبی ارائه دادید و بهتر اینست که خود شما بروید پهلوی اعلیحضرت و توضیح بدهید، گفتم بسیار خوب ، او همانجا به اعلیحضرت تلفن کرد و گفت که قربان و راجع باین مطلب اشاره کرد، که فلانی راه حلی بنظرش میرسد و میآید حضور خودتان و توضیح میدهد. بعد يك عریضه هم حضور اعلیحضرت نوشت و گذاشت در پاکت و گفت اینرا بهرید پهلوی اعلیحضرت و بده و بعد هم خودت توضیح بده ولی بمن توصیه کرد که این مطلبی را که من گفتم هلمز به اعلیحضرت گفته شما این مطلب را نگوئید، یعنی اظهار اطلاع از اینکه این توصیه توصیه هلمز است نکنید. خوب معلوم است که شاه در مقابل بنده نباید شناخته بشود که مشاورش هلمز است، اما نمیدانم چطور بود که علم این مطلب را بمن گفت چون بشما عرض بکنم که مرحوم علم از آدمهایی بود که هیچ کلمه بی ربط نمیگفت، هر حرفی که میزد يك قصدی داشت و يك نظری داشت و آدم بیهوده گوئی نبود. اینکه يك چنین سری را که مربوط برابطه شاه و هلمز بود به بنده عنوان کرد این بدون نیت نبود. شاید میخواست من در این کار وارد باشم و بفهمم، شاید برای اینکه امروز من برای شما بگویم، بعید هم نیست شاید میگفت برای خاطر اینکه یکروزی هم من بگویم. بهر صورت بنده نامه را گرفتم و فوراً سوار اتومبیل شدم و رفتم بکاخ حضور اعلیحضرت، دربارها هم هر وقت میخواستند فوراً حضور اعلیحضرت شرفیاب میشدند احتیاج بوقت گرفتن نبود. من فوراً رفتم حضور اعلیحضرت و

نامه اعلیحضرت را دادم. برخوردار اعلیحضرت بطوریکه برایتان شرح میدهم خیلی جالب بود توجه داشته باشید که آنهایی که به این مطلب گوش میدهند خصلت‌های شاه در این حرفها و این چیزها روشن میشود. اعلیحضرت کاغذ را گرفت و خواند و بعد گفت بله چه هست؟ توجه داشته باشید که علم پایشان تلفن کرده و نامه نوشته و میداند که من برای چه آمده‌ام بمن میگوید چه هست، گفتم که يك مطلبی را وزیر دربار با من مشورت کرد و من هم يك راه حلی پاره کرده و بمن گفتم که بیایم حضورتان و این راه حل را توضیح بدهم. شاه گفت: اصلاً ما چرا جواب بدهیم؟ من گفتم چه عرض کنم، من نه اطلاعی ندارم و نه پیشنهاد اینست که جواب بدهیم، وزیر دربار بمن گفت که میخواهیم جواب بدهیم و يك راه حلی پیشنهاد کرد که بنظر بنده آن راه حل خوبی نیست و من گفتم که کانون وکلاء دادگستری اقدام نکند. شاه گفت نه خیر اصلاً، نه لازم نیست، بنده هم دیگر توضیحی نداشتم بدهم.

سؤال: و جواب هم ندادید.

آقای دکتر باهاری: نه خیر، توضیح هم نداشتم بدهم، تمام شد دیگر حرفم را زدم و صحبت خودم را کردم و آمدم. حالا این طرز برخوردار شاه حکایت از چه میکند، حکایت از این میکند که ماکیاولیسم را در حد عمل بکار میبرد، ماکیاولیسم يك روش مفیدی است در کار حکومت اما نه اینطور دیگر. یکی از کارهای ماکیاولی اینست که به طرف توجه نکند، حالا وزیر دربارتان تلفن کرده و بمن توضیح داده حالا مطلب را اینطوری برگردانید و بمن بگوئید چرا! مقام شاهی، در سلطنت هرچه آدم بزرگ میشود و بالاتر می‌رود باید صداقتش در بیان و در رفتار بیشتر باشد. خوب بعید نیست که بهرحال شاه در آن موقع باز تردید داشت، یعنی باز تردید داشته که به امنستی انترناشنال توجه نکند، باز تردید داشته در اجرای آن طرح کلی و در مکانیسم آن طرح کلی که برای دمکراتیک کردن مملکت ضرورت داشته. مثل اینکه مرد است و مثل اینکه يك راه قاطعی را پیش نگرفته و اینرا هم حکایت، بهر صورت بنده برگشتم و چند روز بعد وزیر دربار به بنده همان حرفی را که آنروز زده بود دستور داد و گفت که يك قسمتی در قسمت امور اجتماعی دربار شاهنشاهی درست بشود و کارش هم رسیدگی به شکایت‌هایی باشد که از امنستی انترناشنال می‌رسد و تحقیق بشود و گزارش آنرا بفرستید که با امضاء من به امنستی انترناشنال جواب داده بشود. بعد از آن هم ما همانکار را میکردیم. بعد از آن ما شکایت‌ها و نامه‌هایی که از امنستی انترناشنال می‌آمد يك شخصی را بنده مأمور کرده بودم که آن شخص رسیدگی میکرد و مراجعه میکرد به سازمانهای تابع و بنزدان مراجعه میکرد و به پرونده دادرسی ارتش و ساواک و بعد خلاصه آنرا گزارش میداد بنده هم يك نامه‌ای بامضای وزیر دربار و گاهی هم که وزیر دربار نبود با امضای خودم جواب امنستی انترناشنال برطبق آن و روی همان روال میدادیم. حالا پیام افتاد آن آدمی که مسئول اینکار بود که امیدوارم برایش اسباب رحمت نشده باشد برای اینکه این کاری بود تا يك حدودی توأم با مسئولیت برای خاطر اینکه جواب همه عیب‌هایی که میگرفتند به سیستم و شکایت‌هایی که میشد آن جواب را بیچاره میرفت و گزارش میداد و تهیه میکرد خدا کند انشاءالله برایش دردمسری درست نشده باشد الان بنکر او افتادم.

سؤال: خاطره دیگری دارید که میخواهید تعریف بکنید در ارتباط با همان وقتیکه میفرمودید همان مشاور اعلیحضرت بود.

آقای دکتر پامری : والله همانطور که وقتیکه دستگاه خاموش بود بشما عرض کردم خیلی با احتیاط میخواهم این خاطره را نقل کنم اما خوب از نظر خود من اهمیتی ندارد اما فکر میکنم که بازماندگان بنده وقتی بمناسبت این حرفهای بنده گرفتاری برایشان پیدا نشود. من با هلمز هیچ آشنائی نداشتم، هیچگونه، اصلا" با سفراء هیچکدام با سفراء هیچ مملکتی فقط دو سه مرتبه در منزل مرحوم علم او را دیده بودم و برخورد کرده بودم. خاطر میآید که همین سالهای آخر برای آقای هوشنگ رام يك گرفتاری پیش آمده بود. این گرفتاری عبارت بود از يك پی مهربی که شاه نسبت باو پیدا کرده بود. به بیمبری شاه میگفتند غضب، مغضوب شده بود، حتی درست نمیتوانم بگویم شنیدم که گفتند در معرض توقیف و بازداشت و این حرفها هم هست. البته نمیتوانم این موضوع را تأیید کنم ولی آنچه مسلم است اینست که يك دلتنگی شاه از او پیدا کرده بود. بعدا" که این دلتنگی را مرحوم علم توانسته بود بيك شکلی مرتفع کند چون مرحوم علم خیلی با علاقه داشت. وقتی که بمن برخورد کرد خودش به بنده گفت که : فلانی بسپن چه هست، آقای انصاری رفته و بنده را متهم کرده که در معاملات گندم مثلاً شاید سوء استفاده کرده‌ام. چون میدانی گندهمی که برای مملکت می خریدند، چون ما کمبود داشتیم، این گندم را از طریق بانک عمران می خریدند. بانک عمران واسطه بود که میرفت و می خرید و پول میداد و میآورد و تحویل میداد. رام گفت که هوشنگ انصاری رفته و اینطور وانمود کرده که من در خرید گندم ها سوءاستفاده کرده‌ام، در صورتیکه دلال گندهمائی که از امریکا خریداری میشود برادر هلمز است که با خود ایشان رفیق است، خود هلمز و هوشنگ انصاری با هم رفیق بودند اصلاً" خانه چیز بودند با همدیگر که میگفتند هوشنگ انصاری میرود بخانه هلمز و هلمز میآید بخانه او و با هم خیلی دوست و آشنا بودند و برادر هلمز دلال این گندهما بوده از امریکا. اینها را آقای هوشنگ رام به بنده گفت، البته بنده هیچوقت دیگر درصدد تحقیق آن برنیامدم ولی بهرحال مسئله هلمز، آن چیزی که گفته مرحوم علم بود و بمن میگفت راجع به توصیه که بشاه کرده بود در آن موقع که هلمز دیگر کاره‌ای نبود و سفیر نبود، همان بود که حضورتان عرض کردم بقیه مطالب مصاحبه مربوط بموضوعات آتی است : موضوع بازرسی دانشگاهها - رقابت بین هویدا و علم بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۵۸ ب

مندرجات مصاحبه درباره موارد آتی است : ادامه مطلب سابق الذکر درباره رقابت های بین هویدا و علم - روی کار آمدن کابینه آموزگار - انتصاب هویدا بسمت وزارت دربار - انتخاب مصاحبه شونده بدبیرگی حزب رستاخیز و حدود ارتباط او با طبقات اجتماعی - موضوع فضای باز سیاسی . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۵۹ الف

مندرجات مصاحبه درباره موارد زیر است : ادامه موضوع سابق الذکر درباره حدود ارتباط دبیرکل حزب رستاخیز با طبقات مختلف اجتماعی و با خارجی ها - اظهار نظر درباره لاشائی و نیکیخواه - موضوع آموزش سیاسی و تشکیل دانشکده امور حزبی و تاسیس روزنامه رستاخیز . بعلت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۵۹ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : روشهای سیاسی حزب رستاخیز در ادوار مختلف - موضوع پاره‌ای معاملات که در زمان وزارت آقای مهدوی وزیر بازرگانی انجام یافته - اقدامات مصاحبه شونده بعنوان دبیرکل حزب رستاخیز. بعلاوه تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۶۰ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : اقدامات مصاحبه شونده در حزب رستاخیز . بعلاوه تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

نوار شماره ۶۰ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق درباره اقدامات مصاحبه شونده بعلاوه دبیرکل حزب رستاخیز - تماس دبیرکل حزب با طبقات مختلف اجتماعی، در این خصوص آقای دکتر پامری چنین گفته‌اند.

"..... وقتی که اعلیحضرت مراجعت کرد بنده مطابق همان قاعده معمول روز شنبه رفتم بدربار که خدمت اعلیحضرت برسم در کاخ سعد آباد بود، مثل اینکه، وقتی که رفتم در اطاق انتظار یعنی اطاق آجودان کشیک، یادم می‌آید، مرحوم هویدا را دیدم، هویدا آنوقت وزیر دربار بود، مرحوم هویدا بمن گفت که ارباب ناراضی است. گفتم چرا ناراضی است، گفت برای خاطر اینکه شما رفته‌اید بازار. گفتم اگر من رفتم بازار ایشان ناراضی‌اند و گفتم من از ایشان اجازه گرفتم و من مجاز هستم همه جا بروم. گفت بهرحال خواستم بشما بگویم. معلوم شد صبح که رفته بود، پشاه گفته بوده، آموزگار رفته گفته که فدائی رفته به بازار، بعد هم شاه گفته که چرا فدائی بازار رفته. حالا نسبت به بازار هم شاه يك حساسیتی داشت. نه اینکه همیشه چنگالها مخصوصاً در زمان مصدق از بازار بود ! همیشه شاه فکر میکرد که انگلیسها آنجا انگولک میکنند و همیشه وقتی اسم بازار می‌آمد شاه انگلیسها را میدید و فکر میکرد انگلیسها بر علیه او تحریک میکنند و بازارها را انگلیسی میدانست. بیکدسته دیگری را که شاه انگلیسی میدانست آنهم علماء بودند، روحانیت را هم انگلیسی میدانست. بنده رفتم بدفتر اعلیحضرت و مطابق معمول شرفیاب شدم و گزارشهایم را هم دادم و منتظر بودم دستوری بدهند. چیزی راجع به این موضوع میگفت. من هم واقف اینست که در محاورات و نسبت به شاه خیلی صاف و ساده بودم. یادم می‌آید که وقتی میخواستم بیایم بیرون رویم را کردم به اعلیحضرت و گفتم : وقتی که می‌آدمم وزیر دربار يك چنین حرفی بمن زد و گفت که شما ناراضی هستید برای اینکه من رفته‌ام بازار". بعد گفتم من که از اعلیحضرت اجازه گرفته بودم. گفت پله آخر این بازارها انگلیسی هستند، گفتم خوب انگلیسی باشند. خوب آدم با انگلیسی‌ها هم باید حرف بزند. خوب اینها اگر خائن هستند باید آنها را گرفت و برد مجازاتشان کرد و گرفته هم تمایلات انگلیسی دارند و تمایلاتشان با تمایلات ملی مغایرت دارد خوب باید صحبت بکنیم و درستشان بکنیم. علاوه بر این این يك مطلبی است که بعلاوه بنظر اعلیحضرت است و من دیگر نمی‌روم به بازار و بعلاوه من که از اعلیحضرت

اجازه گرفته‌ام، اینها درد دارند، درد آنها مسئله مالیاتشان هست و اینها صاحبان اصناف‌اند، شاه گفت بله اصناف که هیچ، اصناف که هیچ، با اصناف که باید تماس پیدا بکنید و منظورم بازاریها است. گفتیم قربان بازاریها هم اصناف هستند. البته آموزگار رفته بود و این مطلب را گفته بود. همین مطلب در موضوع ملاقات با آخوندها شد. حقیقتش اینست که بنده فرصت اینرا پیدا نکردم که با روحانیان که می‌پسندم صحبت بکنم و حرف بزنم. فرصت اینرا پیدا نکردم البته من وقتی حضورتان عرض کردم که در واقع در مسیر تبادل هواها و موسها و آرزوها و احتیاجات مردم و الهامات بالا نسبت بمردم باشد در آن موقع من متوجه کولتور (Culture) مردم بودم، متوجه مبانی اعتقادی مردم هم بودم، متوجه بودم که در این ارتباط بایستی رعایت اعتقادات مذهبی را هم بکنم، من متوجه این بودم که یک مقداری از احتیاجات، احتیاجات روحی و معنوی است در انتقال آرزوها باید رعایت این مبانی اعتقادی مردم را هم من بکنم این مطلب هم مورد توجهم بود همان موقع و بهمین جهت در مسئله آموزش سیاسی که یک برنامه‌ای بود و بعد میخواهم برایتان عرض بکنم، در نظرم بود. بنابراین نقطه نظر بنده این بود که با روحانیت در تماس باشم البته نه با روحانیت خمینی، بعد برایتان شرح میدهم، نه روحانیونی که آمده‌اند پیش من، برای اینکه یک عده از آخوندها بودند که دنبال دستگاه میگشتند برای خاطر اینکه از دستگاه اخاذی کنند و پول بگیرند و یا از دستگاه امتیاز بگیرند. یادتان هست در مورد ولیان گفتیم، مثلاً "از نایب التولیه قهر بگیرند، از یک کس دیگر پول خرید مکه و خرید نماز بگیرند و از یک کس دیگر امتیازات دیگر و مثلاً" از مال اوقاف بگیرند. یک عده از آخوندها اینطور بودند. البته میبایستی رعایت اینها را هم میکردیم، اینها هم بهرحال در آمیبیانس مذهبی موثراند اما مذهب و روحانیت صحیح و پاکیزه غیر از اینها بودند. خیال داشتیم با آنها هم در تماس باشم ولی بهرحال فرصت نکرده بودم ولی یک عده از آخوندها میآمدند پیش من، چند مرتبه آخوندها آمدند و منم در اطاق دیگر آنها را پذیرفتم دور میز و تلویزیون هم آمد. آنجا ما یک دفتر خیلی داشتیم که دوربین تلویزیون آماده بود و بلافاصله هرکس میآمد پیش من تلویزیون عکسش را میگرفت و فوری شب نشان میدادند که امروز فلافی رفت به فلافجا، از جمله همین ملاقاتها و جلسات ما بود. خوب در روزنامه هم عکس را انداختند که یک چند نفر آخوند آمده‌اند پیش بنده و بنده هم نشسته‌ام و با آنها صحبت میکنم. آقای آموزگار اینرا هم برداشته بوده که فلافی هم بله و گاهی میرفت و میگفت لاشائی است و گاهی میگفت بازاریها و آخوندها هستند. من گفتیم اعلیحضرت خودتان فرمودید آخوندها بیایند و من پول هم بآنها بدهم. اگر خلاف آنرا میفرمائید من هم میگویم ورود موقوف و آخوند موقوف. خنده‌اش گرفت، گفتیم من آنروز از اعلیحضرت اجازه گرفتم و اعلیحضرت به بنده گفتند که خارجیها را بوسیله یک آدم دیگری بپذیرم برای خاطر این که حیثیت بنده که با خارجی هیچ ارتباط ندارم حفظ بشود و من اینکار را کردم و کسی را که بعنوان مسؤل روابط خارجی گذاشته‌ام و او در دفترش هست. از خارجی‌ها هم مثل اینکه سفیر هند یا کس دیگری آمده بود. او هم تعجب کرده بود که دبیرکل او را نمی‌پذیرد و یک کس دیگر او را می‌پذیرد. بهر صورت اینرا من گفتیم و عمل کردیم. اعلیحضرت گفتند آخوندها را بپذیرید و پول هم بآنها بدهید. من پذیرفتم و هنوز هم پولی بآنها نداده‌ایم. حالا چشم بنده که میروم میگویم ورود برای آخوند ممنوع. خنده‌اش گرفت، گفتیم اعلیحضرت گاهی میگویند! منظورم اینست که گفت بله آقا این آخوندها، با انگلیسیها مربوط اند. گفتیم آنروز هم که به بنده فرمودید میدانستید که با انگلیسیها مربوط اند.

سؤال : وقتی که آموزگار نخست وزیر شد، از بودجه محرمانه قبلاً هویدا مبلغی سالانه یا ماهانه بآخوند

میداد و بمحض اینکه آقای آموزگار شد نخست وزیر آن بودجه را قطع کرد یعنی بودجه آخوندها را.

آقای دکتر پامری : والله مطالب از اینتفرار است که بشما عرض کردم هویدا ۷۰۰ یا ۸۰۰ میلیون تومان بودجه محرمانه‌اش بود و از این بودجه محرمانه استفاده‌های مملکتی و استفاده‌های شخصی میکرد، شخصی نه اینکه خدای نکرده سوءاستفاده میکرد بلکه بدست و رفیق و اشخاصی که طرفدارش بودند و اشخاصی که میخواست کمک کند کمک میکرد، بعضی از اینها را هم تا حدودی که میتوانست میآورد در تصویبنامه هر وقت که میداد برای اینکه پار موآخذهاش بعداً کم بشود مثلاً اگر ۲۰۰ میلیون تومان خرج کرده بگویند مطابق تصویبنامه خرج کرده‌ام. یقیناً آقای هویدا به آن آخوندها کمک میکرد ولیکن بودجه که نبود. آن کسی که مسئول و خزانه‌دار هویدا بود و آن کسی که امور مالی نخست وزیر را دستش بود طبق دستور شفاهی هویدا پول میداد به آخوندها، این را بایستی مرحوم هویدا به آموزگار یادآور میشد که من به آخوندها پول میدهم تو هم باید بدی. لابد یادآوری نکرده و او هم نداده، من فکر نمیکنم البته بعید نیست اگر آموزگار در مقابل یک فهرست مرتب ماهانه قرار میگرفت که باید به آخوندها بدهند معلوم نیست میداد، اما اگر نداده برای این است که توجه نداشته. قراری که نبوده و در جایی نوشته نشده. خود هویدا بیک آخوندهایی میخواستند کمک بکنند آن مأمور مالی او و معاویش که اسمش یادم نیست، او میآید و لیستی می آورد و اینهم پول را میگذاشته توی پاکت و میداده و هیچ جا منعکس نبوده چون صرف بودجه محرمانه هیچ جا منعکس نیست. هیچ نخست وزیر هم حق ندارد بررسیده‌های نخست وزیر سابق مراجعه کند، بودجه محرمانه است و هیچکس حق ندارد. یک وقتی در زمانی که امینی آمد سرکار بمصرف بودجه محرمانه زمان اقبال مراجعه کرد. همه ملاقاتش کردند که بودجه محرمانه است و شما نباید مراجعه بکنید، البته آن رسیدها را داشت. البته آنوقت که ما آمدیم و مرحوم علم شد نخست وزیر ما بهیچ وجه مراجعه نکردیم که امینی بودجه محرمانه‌اش را چطور خرج میکرد، هیچ مراجعه نکردیم، بنده که معاون نخست وزیر بودم هیچوقت نخواستم از مسئول امور مالی که لیست پولها را بیاورد، حتماً آموزگار هم مواجه با یک دستورالعمل مضبوط دولتی نبوده که باشخاصی کمک بکند. هویدا روی نظر و سیاست خودش بیک عده کمک میکرد، آموزگار آمده و توجه پایین مطلب نکرده و کمک نکرده، اینرا هم بگویم که ممکن بود اگر جلوگیری هم میآوردند حذف میکرد. آموزگار این خصلت را داشت یعنی خست داشت ظاهراً خست داشت در یک مورد معینی. در مواردی هم عرض کنم دست و دلش باز بود ولیکن مسئله از اینتفرار است و موضوع این نیست که یک بودجه ای بوده که او حذف کرده، یک قراری بود هویدا پیش خودش داشت که میداده و این وقتی که آمده که اطلاع نداشته و نداده، مثل لیست کارمندان که نبوده. یک وقتی مثل لیست حقوق کارمندان است که آخر ماه میآوردند و باید بپردازند و نخست وزیر میگوید بپردازید اینطوری که نبوده، آخر هر ماه هویدا میگفته بعهده‌ای از آخوندها بدهند شاید هم هر ماه بدهم نمیداده...

سؤال : وقتی که هویدا رفت بدربار، دربار بودجه سری داشت.

آقای دکتر پامری : در دربار نه، دربار بودجه سری، یعنی امور مالی دربار دست هویدا نبود، البته سعی کرد، آن معاویش که امور مالی دستش بود یادم آمد کاشفی بود، کاشفی را آورد بدربار و هر موقع که پولی را میگرفت میداد باو ولی امور مالی دربار دست بهبهانیان بود، بهبهانیان هم هر کاری میکرد با نظر اعلیحضرت میکرد اینست که در دربار دست هویدا باز نبود و پول زیادی نبود، دربار پولش از کجا میآید؟

پول را دربار از دولت میگرفت و دولت هم روی تقویم و برآوردی بدربار پول میداد، همینطوری نمیداد، همینطوری که حاضر نبود پول بدهد که دربار به آخوندها پول بدهد. البته خود اعلیحضرت هم يك درآمدائی داشت و از محل آن درآمدهای موقوفات بود. يك موقوفاتی مثلا" راجع به آرامگاه بود، از آن محل بهبهانیان به بعضی از آخوندها كمك ميكرد. مثلا" در ایام حج یا مواقع دیگر مثلا" من یادم میآید که پسر مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهائی که مورد توجه اعلیحضرت بود، اعلیحضرت برایش اتومبیل بنز هم میخرید، اینطوری هم بود. در دربار دست هویدا نمیتوانست آن اندازه باز باشد ممکن بود ماهی ۲۰ یا ۴۰ یا ۵۰ هزار تومان بگیرد و به این و آن بدهد اما نه آنطور که ۷۰۰ یا ۸۰۰ میلیون تومان در سال بودجه محرمانه داشته باشد، نبود. آموزگار هم وضعش همینطور بود و طبیعی بوده، هویدا پولهای را خرج میکرده و بیک عده، از اشخاص میداده و آموزگار نمیداده، نمیدانسته، آخر مسئله اینست و اینرا اینطوری تمبیر نکیند: لیستی نبوده که آموزگار نپردازد، هویدا بیک عده آخوند و روزنامه نویس، بیک عده كمك میکرده و پول میداده و لیست آنها که چائی نبوده، آموزگار که آمد، ممکن بود اگر يك مدتی میماند او هم بیک عدهای پول بدهد یا شاید آن موقع هم بیک عده كمك میگرد و شاید نمیگرد نمیدانم ولی بهرحال آن آخوندهائی که آن موقع هویدا پانها پول میداد، حتما" آموزگار که با آنها ارتباط نداشته و گفته پول نمیدهم. مسئله از اینقرار است و اینکه میگویند قطع کرده، لیستی نبوده که او قطع بکند. بقیه مطالب مربوط بموضوعات آتی است: مقدمات انقلاب اسلامی - نظر دکتر آموزگار درباره کارخانه ذوب آهن و نیروگاههای برق - موضوع آموزش حزبی. بعلا تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۱ الف

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است: ادامه مطالب سابق درباره آموزش میبسی و حزبی - اقدامات صاحبه شونده در حزب رستاخیز - پاره‌ای از حوادث واقعه در آغاز انقلاب اسلامی. بعلا تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۱ ب

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است: موضوع بولتن های خپری ساواک و اظهار نظر درباره آن - موضوع مارکسیسم اسلامی - موضوع روحانیون در آستانه انقلاب اسلامی. در این خصوص آقای دکتر باهری چنین گفته اند:

آقای دکتر باهری: ... آقای شاپور زندنیا که نویسنده برجسته‌ای بود و خوب چیز می نوشت و خوب هم صحبت میکرد و در مسائل میبسی و اطلاعات دیپلماتیک وارد بود و یکی از ژورنالیستهای وارد بود صبح ها میآمد پیش من. بیکروز آمد پیش من و گفت که ما را دعوت کردند بدربار، اتفاقا" در همان محل کار من در سابق در دفتر آقای نیکوخواه، يك اسامی را واقعا" اسم برد، اما همه آنها خاطر من نیست که کس دیگری غیر از خودش را گفت که آنجا بود. عبارت بودند از مرحوم جعفریان، دکتر جعفریان، نه آن دکتر جعفریان که طیب بود، جعفریان معاون تلویزیون بود که راجع باو هم که اسمش آمد بعدا" صحبت میکنم که يك ارتباطی با ما داشت. نیکوخواه و جعفریان و خودش و اسامی اشخاص دیگر درست خاطر من نیست، یا

تردید دارم نقل می کنم. چون مسئله مهمی است نمیخواهم بدون اطمینان و بهترین بگویم زندگیها گفت که به : قرار شده يك مقاله تهیه کنیم راجع به خمینی که خوب این همان هندی زاده است و شرح زندگی که کی هست و قرار شده که این در روزنامهها منتشر بشود یعنی يك چنین مقاله ای در روزنامهها منتشر بشود.

سوال : هویدا اینها را دعوت کرده بود.

آقای دکتر باهری : به خوب دیگر، هویدا گفته بوده و مسئول این کارهای مطبوعاتی هم آقای نیکوخوخواه بود. نیکوخوخواه سابقاً معاون وزارت اطلاعات بود ولیکن وقتی که از معاونت کنار رفت آقای هویدا در خدمت وزیر باو کار رجوع کرده بود. در خدمت وزیر همکاری میکرد در همین مسائل تبلیغاتی با هویدا. منظور زندگی این بود که گفته اند بایستی مقاله در روزنامه رستاخیز منتشر بشود. این حالا روزهای آخری است که بنده در حزب هستم. مثلاً دهم یا دوازدهم دیماه است، مثل اینکه بنده، اگر اشتباه نکنم در ۱۴ دیماه از حزب رفتم بیرون. حالا همان اوائل ماه دی بود. بنده گفتم مطلقاً و گفتم شما اولاً آقای زندگی ! (شاید این تحریمی هم که من کردم زندگی بیبربط بود) گفتم شما چرا در این کمیسیون شرکت میکنید شما اگر کادر حقوق بگیر حزب هستید و در روزنامه رستاخیز چیزی می نویسید، آخر در این نشریه شما باید به بنده بگوئید که میروید آنجا. البته این توقع بنده بیبربط بود، او مرد آزادی بود و نویسنده بود و در يك کمیسیون شرکت میکرد. من دارم حقیقت را بشما میگویم، دعوی دعوی بیبربطی بود، در عالم دوستانه روابط ما روابط دوستی بود. منظورم این بود که در عالم دوستی باید جانب مرا میگرفت و با من صحبت میکرد. گفتم نه خیر مطلقاً بهیچ وجه نباید، نمیدانم همان یکی دو روز بعد بيك مناسبتی در فرودگاه اعلیحضرت بمسافرت میرفت. مسافرت مسافرت داخلی بود، بنده هم رفته بودم فرودگاه. هویدا آمد جلوی من و بمن گفت که فداش اجازه بدهید آن مقاله چاپ بشود. گفتم کدام مقاله. او اشاره کرد و گفت ارباب خودش گفته. گفتم من خودم با ایشان صحبت میکنم و من اجازه نمیدهم چاپ بشود. بنده با خمینی ارادتی نداشتم. حالا هم که با افکار و عقیده و رویه اش که روپرو شده در این جریان ها بيك آدم نا مسلمان و سوءاستفادهچی از عنوان اسلام او را می شناسم. اما منهای این مطلب آن موقع خمینی بنام بيك آدم متشرع و بيك آدم مذهبی شناخته میشد و آن موقع هنوز شکش را نشان نداده بود و من میدانستم که مردم و کولتور عمومی مردم متضمن حرمت پایین دسته است. این آدمها هم وقتی در هر مجلسی وارد میشدند هر کسی که عمامه ای سرش بود مخصوصاً اگر عمامه سیاه بود و بيك شال میزد هم رویش بود. این هر جا که میرفت در هر مجلسی که وارد میشد اصلاً جزء، مثل اینکه جزء سوب کنیسانس همه بود (Subconscience) حتی مقامات خیلی بالا. زود اینها را دعوت میکردند که بالا بنشینند. این روحانیون وقتی که در سلام شرفیاب میشدند اولاً قبل از همه شرفیاب میشدند و فقط دسته بودند که مجاز بودند بنشینند، یعنی میرفتند می نشستند و شاه هم می نشست با اینها. دیگران هر پا در سلام شرکت میکردند و اینها می نشستند این حکایت از حرمتی بود که در کولتور ما برای این طایفه منظور بود و یقیناً بی حرمتی با اینها موجب پرخاش روحی برای همه میشد. پایین مطلب همه توجه داشتند. اینست که اجازه ندادم، البته هیچوقت هم مجالی نشد که بنده با شاه صحبت بکنم، برای اینکه بعد هم که دیگر من از حزب رفتم و الا صحبت میکردم ولیکن هویدا یا حماس نبود به این مطلب و یا همانطور که عرض کردم اسماً بی علاقه بود بی علاقه یعنی مقید نبود بمسائل مملکت، خدا رحمتش کند.

نمیتوانم بگویم بی علاقه بود و نمی فهمید، نمیتوانم بگویم نمی فهمید، میفهمید. درست است که هویدا سالیان دراز در خارج درس خوانده بود و شاید ممکن است گفت که خوب هویدا با سنت و مقتضیات کولتور ایرانی آشنا نبود. کما اینکه دیدید فارسی را هم خوب نمیتوانست حرف بزند این آخری ها، اما نه يك ششانه ای دادم که هویدا پایین مقتضای روحی و کولتور مردم که بمسائل مذهبی اهمیت میدادند آشنا بود. برای خاطر اینکه وقتی که نخست وزیر شد همان سال اول مادرش را فرستاد مکه. حالا میگویند مادرش هم مذهبی بوده و معتقد بوده اما بهرحال هویدا آسال با سلام و صلوات مادرش را فرستاد مکه برای خاطر اینکه بگوید من مسلمانم. چون سابقاً میدانید شهرت بهائی گری هم داشت. دین نداشت، بهائی بود ولی خوب وقتی نخست وزیر را قبول کرد معلوم بود که به بهائی گری هم اعتقاد ندارد چون بهائی ها ملزم هستند که وارد کار سیاسی نشوند. بنابراین نه، تصحیح میکنم هویدا میدانست اما چون شاه گفته بود نمیخواست پشاه بگوید نه و با احتمال قوی هم نمیدانست آثارش چه هست و غیظ و غضب مردم چقدر شدید است راجع به این مطلب. آمدهائی هم که مسئول اینکار بودند آنها هم این حساسیت را نداشتند مثل من این حساسیت را نداشتند، کی بود؟ آموزگار بود نخست وزیر مسئول تبلیغات کی بود، مسئول وزارت تبلیغات کی بود؟ آقای داریوش همایون بود، او هم پایین مطلب حساسیت نداشت. من کیفیت این مقاله را که تا چه حدی آموزگار از آن اطلاع داشته، تا چه حدی داریوش همایون اطلاع داشته واقع آنرا نمیدانم. اما بهرحال مسلم است که پروژنامه اطلاعات تحمیل شده چون مدیران اطلاعات و مدیران روزنامه ها بهر صورت نبض افکار عمومی در دستشان است و اینها در اینگونه موارد وقتی که فقط پانها فشار باشد و دستور دولت باشد آنوقت يك مقالاتی را میگذارند. بنابراین حتماً دولت فشار آورده و دولت دستور داده. حالا کی بوده در این جریان، آموزگار، بوده، همایون بوده یا آموزگار توجه نکرده، بهر صورت ناشی از عدم دقت آنها است. که دقیق نبودند در اینکار، متوجه نبودند و حساسیت مردم را تشخیص ندادند. بهمین جهت میگویم که اینها آمدهای سیاسی نبودند، اینها يك تکنوکرات بودند آخر سیاست یعنی آدم بتواند این قدرت را داشته باشد که بتواند اراده خودش را بمردم معنا" تحمیل بکند و مردم را همراه خودش بیاورد. این نمیشود مگر اینکه آدم با مردم آشنا باشد و با روح مردم آشنا باشد. اگر با روح مردم آشنا نباشد نمیتواند اراده خودش را بمردم تحمیل کند. آدم در صورتی میتواند اراده خودش را بمردم تحمیل کند که مردم او را از خودش بداند. نمیدانم يك مالمی را یکوقت برایتان گفتم یا نگفتم يك سیدی بود در شیراز اسمش سید نورالدین بود، این آدم خیلی برجسته ای بود. البته مثل خمینی و اینها بی اطلاع از دنیا نبود، مطلع از دنیا بود و بهعارف اسلامی وارد بود. آدم خیلی برجسته بود، شعر خوب میگفت، خط مینوشت خوب چیز مینوشت و خوب صحبت میکرد و وارد مسائل اجتماعی بود. دور این آدم در شیراز يك عده متعصب بودند، تنها کمی که توانسته بود يك عده از بازاریها را باصلاح همین آقای شریعتی استحمار بکند این بود. دیگران، مراجع روحانی دیگر هر کدام ۱۰ یا ۱۵ نفر دور خودشان داشتند، اما این نه، بلکه تمام بازار دور سرش بودند و خوب میدانید عوام هم اسلام را گاهی اوقات با خرافات اشتباه میکنند و بیشتر از مسائل اسلامی به خرافات اسلامی پایبند هستند. خرافاتی که مراجع نمیتوانند تسلیم آن باشند مثل قه زدن و شمشیر زدن و این حرفهائی که هست و میدانید. بیکروزی من باو گفتم آقای سید نورالدین! شما (آنطوریکه صحبت میکردیم خیلی آدم روشنی بود) این اندازه روشن هستید نسبت بمسائل چرا تسلیم این خرافات و بدعتهائی که غیر اسلامی و مخالف اسلام هم هست میشوید. بچن گفت آقا: من اگر بخواهم اینها را اداره بکنم اول باید با آنها همدل باشم، اینها مثل اسپه ای سرکش هستند، برای اینکه از آنها سواری بکنم و سوارشان بشوم باید دهنه آنها را ول بکنم که هر جا میخواهند بروند، خسته که شدند

بیواش بیواش آنها را راهنمایی کنیم. سیاستمدار و کسی که هوم دتا (Homme d'etat) همت باید با مردم همدل بشود تا بعد بتواند بعد مردم را هدایت کند و بمردم حکومت کند. گاندی وقتی آمد رهبری ملت هند را بعهده گرفت. لباسش را عوض کرد و همان پیراهنی را که هندیها می پوشیدند پوشید و همان چرخه را که همه با آن نخزیم می کردند او هم گذاشت جلوییش و نخزیمی می کرد. در صورتیکه میدانیم که گاندی در آخرین مدارس انگلستان درس خوانده بود و یک وکیل برجسته بود و آن موقعی که در انگلستان وکالت میکرد خیلی لباس شیک و مستفرنگ و مثل اروپائی ها لباس می پوشید، ولی دیدیم که در هندوستان چطور زندگی میکرد. بایستی اینها میدانستند که این مقاله علیه خمینی که نوشته اند، خمینی که تا آن موقع قیافه اش را نشان نداده بود، میگفتند خمینی یک سیدی است که از اسلام دفاع میکند و تبعیدش کرده اند بخارج و مظلوم است، در افکار اینطور بود، از جشن هنر بد میگوید، از جشنهای دو هزار و پانصد ساله بد میگوید، از بی عفتی ها و لوکس پرستیها و اینطور چیزها دارد بد میگوید. بنابراین او را یک روحانی میدانستند، آنوقت شما پرمیدارید با یک مقاله اینطوری سبکش میکنید. معلوم است که غیظ و غضب مردم میجوشد. خودشان هم گفتند که این مقاله اساساً مثل یک آتشی بود که جرعه انقلاب را آن بوجود آورد و این کسانی که در اینکار مقصراند باید برای شما بگویم اول شاه خودش مقصر است از اینکه اینطور اشخاصی را که حساس نیستند بهوای دل مردم آنها را میآورد سر کار بعد هم هویدا است و بعد هم آموزگار است بعد هم آقای هاپون، بالاخره اینها موثر بودند جلوییش را میتوانستند بگیرند مگر بنده که جلوییش را گرفتم چطور شد. بنده جلوییش را گرفتم ... بقیه مطالب مصاحبه مربوط است به کمیسیون شاهنشاهی و موضوع روابط مصاحبه شونده بعنوان دبیرکل حزب رستاخیز با هویدا و دکتر آموزگار. به علت تفصیل موضوع شیت تمام مصاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع آموزش حزبی - موضوع خستگیهای روحی محمد رضا شاه پهلوی - اختلاف نظر مصاحبه شونده با دکتر آموزگار - مقدمات کناره گیری مصاحبه شونده از دبیرکلی حزب - موضوع مسافرت محمد رضا شاه پهلوی به امریکا و تظاهرات علیه ایشان در مقابل کاخ اپین و عکس العمل های آن در کشور ایران - تشکیل سمینار مطالعات حزبی درباره رسیدگی بحل شلوغی در دانشگاهها. در این خصوص آقای دکتر باهری چنین گفته اند :

آقای دکتر باهری : این سمینار خیلی بزرگی بود تمام رؤساء دانشگاهها را از قدیم و جدید گفتیم آمدند، خواهش کردم آمدند که در هیئت رئیسه بودند و خلاصه تحریکاتی که در دانشگاه میشد در آنجا منابعمش و مراکزش ذکر شد مخصوصاً خاطرهم هست که مرحوم دکتر عاملی در آنجا یک نطق خیلی قشنگی کرد و اصطلاحی را آورد که شاید از کتابی گرفته بود: ودکاکولا منظورش این بود که هم روسها هستند در جریان و هم کمپانیهای امریکائی هستند. ودکاکولا ترکیبی بود که پشت پرده، حتی مثل اینکه اشاره کرد که منابع مالی واتیکان هم در این جریان ما هست. خوب نطق خیلی قشنگی کرد....

نوار شماره ۶۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : نقل چند فقره خاطره‌ای از علم، آقای دکتر باهری در این خصوص چنین گفته‌اند.

آقای دکتر باهری : مطالبی که حالا برایتان گفتیم این بود که نرسیدیم که از رسول پیرسرم چه گذشت آنروز عصر و چه میخواست بمن بگوید و مرحوم علم چه گفته بود برای اینکه حالا برایتان عرض میکنم که از خود مرحوم علم هم نتوانستیم پیرسرم بخوانیم بعدها صحبت کردم و گفتیم فریده جان بگو ببینم آنروز چه خبر شد خانه علم که شما بودید رسول بمن گفت که میخواهم ترا ببینم احتمالا " يك مطلبی هست، متأسفانه نشد. گفت من که درست نمیدانم چه بگویم ولی از حرفهایی که آنجا زده شد رسول خیلی ناراحت شد برای اینکه علم با پیژامه بود و استخوان پایش مثل نی شده بود و رسول خیلی ناراحت شد و گریه کرد. اما حرفی که بینشان زده شد، آن حرفی که بنظر من جالب بود این بود که مرحوم علم گفت رفتیم حضور اعلیحضرت و بعد از اینکه تبریک گفتیم اجازه مرخصی گرفتیم که بروم پیرچند، باعلیحضرت عرض کردم اجازه بفرمائید بروم پیرچند و مرخص شوم. اعلیحضرت باو گفته بود که با ستادت میخواهی بروی پیرچند. مرحوم علم به اعلیحضرت گفته که ستادم کی هست ! من با رسول پرویزی قرار است بروم آنرا هم میخواهم شما را نقاشی کنم. او میخواست يك شرح حالی از شاه بنویسد و میخواست او دیکته بکند چون رسول از نویسنده‌گان برجسته بود، میخواست او بنویسد، من ستادم کی هست ! منظورم اینست که اینجا شاه به علم میگوید میخواهی با ستادت بروی، این حرف خیلی معنی دارد ! مرحوم علم در پاریس بود و آوردنش پاریس و بنده هم از دبیرکلی حزب استعفا کردم ایشان در پاریس بود او با بنده تلفنی صحبت میکرد و اظهار علاقه کرد که میخواهم شما را ببینم. دکتر صفویان هم به بنده گفت هرچه زودتر برو چون میدانست که روزهای آخر است و خوش سیپی سعی پیدا میکند. بنده آمدم پاریس مرحوم علم بیک کس دیگر هم این حرف را زده بود، شاید بهپانچیان بود یا کی بود گفته بود که بالاخره شاه در مقابل امریکاییها برای نگاهداری فلانی نتوانست مقاومت بکند. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۲ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع جشن هنر شیراز - اظهار نظر نسبت به اعلیحضرت فرح پهلوی و موسساتی که زیر نظر ایشان اداره میشود. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۲ ب

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : وضع موسساتی که زیر نظر خاندان سلطنتی اداره میشود. انعکاس اوضاع ایران در خارجه در آستانه انقلاب - شروع خرابکاری در باشکها و موسسات دیگر در اوان انقلاب. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدر نگردید.

نوار شماره ۶۴ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع نامه مظفر فیروز به روزنامه لوموند. در این خصوص آقای دکتر باهری چنین گفته‌اند.

آقای دکتر باهری : ... قبل از اینکه دامستان رفتن بتهران را برای شما نقل کنم يك پييش آمدي كه در ايام اقامت در پاریس شد در ارتباط با ایران لازم است پرايتان شرح بدهم : روزنامه لوموند كه عرض كردم راجع به ایران چيز مینوشت و مقالات مخالف ایران مینوشت. يك مقاله‌ای نوشت با قلم مظفر فیروز در تریبون لپرش بود. تحت عنوان (Shah Irresponsable) تیتیرش این بود. در آنجا پشاه بد گفته بود و عجیب بود كه از يكطرف رد كرده بود به امریکائی ها و گفته بود كه روسها منتظراند كه این سیب گندیده برسد از طرف دیگر رو كرده بود به روسها و گفته بود كه امریکائی ها در اینجا چهل هزار نفر مشاور نظامی دارند. و از طرف دیگر گفت كه حالا گزارش هائی راجع بحقوق بشر روی میز كارتر است. ما منتظریم ببینیم كارتر راجع به ایران چه تصمیمی میگیرد. خلاصه حمله‌اش نسبت بشاه و نسبت به رژیم متضمن اینگونه مسائل بود. هم دلسوزی برای روسیه میكرد كه در ایران چهل هزار مشاور نظامی هست در جوار روسی، و هم دلسوزی میكرد برای امریکا كه رژیم ایران مثل سیب پودیده است كه روسها منتظراند بیفتند و هم اظهار بی تابی میكرد كه چرا كارتر تصمیم نمیگیرد با این گزارشهای كه راجع بمسئله ایران روی میز هست. این مطالبی بود كه خاطر من است در این مقاله بود. حالا یاد من نیست كه استیل مقاله یا نتیجه گیری مقاله يكطور دیگر بود اینرا خاطر من نیست، ولی این مطالب بود. حقیقتش اینست كه من خیلی ناراحت شدم و عجیب است كه سفارت ایران در پاریس در مقابل این چیزها نه حرفی میزد و نه اقدامی میكرد. چون سفارت ایران باپستی در مقابل این پیشامدها و در مقابل این جنجال و در مقابل این هیاهو يك تدابیری، يك كارهای و يك حرفهائی میزد. اصلا" هیچ، آقای شاپور بهرامی سفیر بود، هیچ كار نمیكرد. بنده يك مقاله‌ای نوشتم و اصلا" سرگذشت یعنی پیوگرافی مظفر فیروز را، (چون نویسنده مقاله مظفر فیروز بود) پیوگرافی او را نقل كردم كه ایشان رفتند و سيد ضياءالدین را با شعارهای عنعناتی آوردند و روزنامه رعد امروز و بعد رفتند با قوام السلطنه و بعد معلوم شد كه با روسها هستند و بعد فرستادندش روسیه و بعد از شوروی هم فرار كرد و رفت به ایران. خلاصه سابقه درخشانش در ضدیت با مصالح رژیم و مسائل مملكت را بیان كردم و بعد گفتم كه حالا این آدم دم از وطنپرستی و ملیت میزند از يكطرف رو به روسیه میكند و از طرفی با شوروی صحبت میكند. شما اگر دلتان بحال مملكت سوخته چرا مستقیما" ملت ایران و مستقیما" مردم ایران و مستقیما" آنهائی را كه تصمیم بگیر هستند چرا مخاطب قرار نمیدهید ! بكارتر چكار دارید و به روسیه چكار دارید. خیلی مقاله تندي بود و در عین حال موجه چاپ بود و ضمنا" كوپنده بود نسبت بمظفر.

سوال : در لوموند چاپ شد.

آقای دکتر باهری ، بله بله ، بنده حقیقتش اینست كه وسیله نداشتم و آشنائی نداشتم با روزنامه نویسهای آنجا، آندوست بنده یعنی مطوتی كه بشما گفتم خانش در یونسكو بود و با يك شخصی بنام مپیو لوزان، در روزنامه لوموند كار میكرد كه با آندره فونتن ارتباط داشت، يك چنین چیزی بود. بهرحال مقاله را من دادم پاو و او هم داده بود به آندره فونتن . بهكریزی صبح نشسته بودم يك كاغذ فوری از طرف آندره فونتن آمد. البته من يك كاغذ هم گذاشته بودم رویش كه چون آقای مظفر فیروز يك مقاله توهین آمیزی

برای مملکت من نوشته من خودم را وظیفه دار میدانم که جای همان تریبون لیبر که او نوشته منم جوابش را بدهم و خواهش میکنم که این مقاله را چاپ کنید و بعد هم نوشته بودم که اگر لازم است و بخواهید تغییر و تبدیلی هم در روزنامه بدهید بمن اطلاع بدهید و اگر مقتضیات روزنامه شما تصحیحی، تحریری، نقلی و تکثیری و چیزی در آن لازم باشد آنرا هم حاضر هستم. نوشته بودم صبح که يك نامه خیلی فوری از طرف آندره فونتن بمن رسید. آندره فونتن یکی از نویسندهگان برجسته لوموند است که از سانجا بنده باو ارادت پیدا کردم و حالا دیگر کتابهایش را میخوانم، تاریخی هم راجع پاروپا نوشته، بنده رفتم پهلوی آندره فونتن. او مقاله را خواند و گفت این مقاله برای ما گرفتاری درست میکند، گفتم چرا، گفت شما اینقدر راجع به مظفر صحبت کردید، باو هم میگفت پرسش مثل اینکه آشنائی هم با او داشت. گفت به پرسش شما این حرفها را زدید و من حالا این مقاله را درج کنم پرسش هم بر میدارد جواب میدهد و پرسش از ما میرشد و بعد هم میخواهد جواب بدهد و روزنامه ما محلی میشود برای بگو و مگوی شما. ضمناً شما بگوییم که معلوم شد بعد از اینکه مقاله من رسیده بود از طرف لوموند سفارت هم تلفن شده بوده و راجع بمن جوپا شده بوده و حالا خدا پدرشانرا پیامرزد که گفتند فدانسی است و از مسئولین مملکتی بوده که حالا بهرحال از اشخاص سرشناس ایران است. تا این اندازه خدا پدرشان را پیامرزد، و آلا آنها فکر میکردند که من يك آدم گمنام هستم و شاید هم نمی پذیرفتند. ولی بهرحال تا این اندازه باز تشکر میکنم از آقای شاپور بهرامی. گفتم آقا هرچه را شما میخواهید حذف کنید. گفت اجازه بدهید من این تکه‌هایی که راجع به سابقه و بیوگرافی مظفر است حذف کنم و گفت اینها که موثر نیست، بهدین اندازه، او گفت بله چشم من اینرا چاپ میکنم، گفتم کی چاپ میکنید. گفت همین یکی دو روز در موقع مساعد. صحبت میکردیم او گفت که کسینچر از ایران آمده بود صحبت از شاه شده البته بشما بگوییم که فونتن يك مرد بزرگی است، يك ژورنالیست خیلی حسابی است. گفت کسینچر از اینچا که رد میشد آمد پیش من و با هم که صحبت میکردیم راجع بشاه گفت که این آدم گرفتار مگالومانی است. این کلمه مگالومانی و وصف مگالومانی را بنده اولین بار از زبان آندره فونتن به نقل از کسینچر شنیدم که میگفت که بشاه میگوید مگالومانیت. خوب من باید بروم و دعوت دارم و شاه را می بینم. مثل اینکه قرار بود که يك مسافرتی برود... بقیه مطالب مربوط بموضوعات آتی است. اظهار نظر راجع به تشکیل و ترکیب کابینه شریف امامی و انتصاب صاحب شونده سمت وزیر دادگستری -- اظهار نظر راجع به شریف امامی و راجع به فراماسوئری در ایران.

نوار شماره ۶۴ ب

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است: ادامه مطلب مربوط به فراماسوئری -- اظهار نظر نسبت به دکتر آموزگار و هویدا و شریف امامی و علم و دکتر امینی و همچنین اظهار نظر راجع به وزراء کابینه شریف امامی - آغاز کار صاحب شونده بعنوان وزیر دادگستری. بعلا تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدور شکرید.

نوار شماره ۶۵ الف

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است. ادامه مطلب سابق در مورد اقدامات صاحبه شونده بعنوان وزیر

دادگستری - شرح نظامرات و اقدامات مخالفین دولت - اظهار نظر راجع به الاحضرت شمس پهلوی - موضع روحانیون در این خصوص - اظهار نظر درباره شهبانو فرح پهلوی - اظهار نظر نسبت به الاحضرت اشرف پهلوی و الاحضرت فاطمه پهلوی - اظهار نظر راجع به هویدا. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگریدید.

نوار شماره ۶۵ ب

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است : اظهار نظر راجع به تشکیلات زنان - پیوستن پاره‌ای از مسئولین امور مهم دولتی به جنبش اسلامی - کمیته انقلاب اسلامی و نقش اعراب فلسطینی و همکاران آنها در تکوین انقلاب اسلامی - برداشت بعضی دیگر از کشورهای عربی درباره ایران - نقش ساواک در دوران انقلاب اسلامی - نامچیز بودن دولت در مقابله با انقلاب بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگریدید.

نوار شماره ۶۶ الف

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق‌الذکر درباره ساواک و وضع دولت در موقع انقلاب - موضوع مارکسیسم اسلامی و نظر امریکا درباره تقویت میانی دینی بمنظور مقابله با کمونیسم - حادثه روز جمعه ۱۷ شهریور. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگریدید.

نوار شماره ۶۶ ب

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است : نحوه جریان امور دولتی در کابینه شریف امامی در ارتباط با مجلس و رادیو - تلویزیون و مطبوعات - اختلاف نظر بین صاحبه شونده و مجلس در مورد لایحه نائین آزادی اجتماعات. بعلمت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبه مقدر نگریدید.

نوار شماره ۶۷ الف

مندرجات صاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع تعقیب و محاکمه وزراء. در این خصوص آقای دکتر باامری چنین گفته اند :

آقای دکتر باامری من گفتم وقتی که مستنطق قرائن و امارات کافیه دید میتواند اشخاص را توقیف کند تا دلائل را جمع آوری کند و بفرستد به محکمه و محکمه قضاوت بکند و این قرار کفاف امشب دولت را نمیدهد. دولت اگر امشب قریبانی میخواهد با این دادگستری اینکار را نمیتواند بکند. خاطر من میآید وقتی که من این توضیحات را میدادم که همه نگاه کردند اینطرف و آنطرف نمیدانم حالا یا در جلسه هیئت دولت یا کنار جلسه. مثل اینکه تنگمی داده شد. در کنار آقای امیر خسرو افشار بمن گفت فلانی امریکائی ما فقط یکماه مهلت داده‌اند. گفتم مهلت چه دادند. منظور این بود که امریکائیها گفته‌اند تا یکماه میشود خلاصه بمبارزه با فساد را انجام داد و این چیزها را تمسکی داد. لابد مثلاً امریکائی ما ممکن بود گفته

باشند که شما یکماه وقت دارید که بتوانید مردم را آرام کنید نمیدانم حالا امریکائی ها کی بوده که با آقای افشار صحبت کرده ولی بهرحال اگر هم صحبت کرده لابد گفته تا یکماه شما میتوانید يك کارهائی بکنید. بقیه مطالب مربوط بموضوعات آتی است : وضع قوه قضائیه و اظهار نظر درباره ناصر یگانه رئیس دیوانعالی کشور و فلاح رستگار دادستان کل.

شماره ۶۷ پ

مندرجات مصاحبه درباره موضوع آتی است : وضع قوه قضائیه و وجود پاره‌ای ناپسامانیها در دادگستری. بعلا ت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۶۸ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع تعقیب و محاکمه وزراء و عندهای دیگر - موضوع واگذاری اراضی موقوفه باشخاص - وجود ناپسامانی در شرکت پتروشیمی - اظهار نظر درباره شورای اصناف - سیاست دولت در مقابله با انقلاب - تهیه طرح مبارزه با فساد - تشکیل کمیسیون با حضور اعلیحضرت و اعلیحضرت شهبانو برای بررسی اوضاع کشور. بعلا ت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۶۸ پ

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : ادامه مطلب سابق‌الذکر درباره تشکیل کمیسیون با حضور اعلیحضرت و اعلیحضرت برای بررسی اوضاع کشور در دوران انقلاب - تهیه طرح مربوط به نحوه تعقیب و محاکمه سران امور مملکتی در موارد سوء استفاده - موضوع خروج خمینی از کشور عراق - تناسهای سازمان عفو بین‌المللی با دولت در مورد زندانیان سیاسی و تشکیل کمیسیون بنام کمیسیون حقوق بشر در کشور. بعلا ت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۶۹ الف

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع عفو زندانیان سیاسی - موضوع تظاهرات در کاخ دادگستری - موضوع مطبوعات در دوران انقلاب - ملاقات مصاحبه شونده با آیت الله گلپایگانی . بعلا ت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید.

شماره ۶۹ پ

مندرجات مصاحبه درباره موضوعات آتی است : موضوع بالا بردن قیمت گندم و نظر اعلیحضرت در این خصوص و ارتباط آن با سیاست دولت امریکا - موضوع اضافه حقوق کارمندان دولت - موضوع سلب مصونیت دو نفر از نمایندگان - موضوع حریق سینما رکس آبادان. بعلا ت تفصیل موضوع ثبت تمام مصاحبه مقدور نگردید

شوار شماره ۷۰ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : ادامه مطالب سابق دربارہ حریق سینما رکس آبادان - کنار رفتن صاحبہ شونده از وزارت دادگستری - موضوع خرید کامیون از امریکا - روی کار آمدن دولت از هاری - تظاهرات روز تاسوعا. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگردید.

شوار شماره ۷۰ ب

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : پزاداشت عدهای از وزراء. نطق محمد رضا شاه پهلوی دربارہ استماع صدای انقلاب - تماس اعلیحضرت با سید جلال الدین تهرانی - موضوع رسیدگی پدارائی افراد خاندان سلطنت - روی کار آمدن کابینه بختیار. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگردید.

شوار شماره ۷۱ الف

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : موضوع مسافرت اعلیحضرت بخارج از کشور - آخرین ملاقات با اعلیحضرت - وضع متزلزل بختیار در اخذ رأی اعتماد از مجلس - نقل خاطره‌ای از دکتر امینی براینکه اعلیحضرت خروج خودشانرا از کشور بعالت نا رضائی خارجی ها قلمداد کرده‌اند - اظهار نظر دربارہ بازارگان - ملاقات صاحبہ شونده با مهندس بازارگان و نقل خاطراتی از آن ملاقات - نظر بختیار دربارہ محاکمه و اعدام چند نفر از سران امور مملکتی. بعالت تفصیل موضوع ثبت تمام صاحبہ مقدور نگردید.

شوار شماره ۷۱ ب

مندرجات صاحبہ دربارہ موضوعات آتی است : انحلال ساواک و موضوع شکنجه - نظر بختیار دربارہ محاکمه وزراء و تهیه لایحه در این خصوص - موضوع تظاهرات طرفداران قانون اساسی و تشکیلات شبه نظامی تحت نظر فردوسی - عدول از فرهنگ سنتی و پذیرش تمدن مادی بعنوان علت شکست شاه و ملت در مقابل انقلابیون. ذکر خصائص اخلاقی محمد رضا شاه پهلوی و شرح اشتباه ایشان خاتمه صاحبہ.